



کتاب و کتابخوانی

پیشخوان شماره ۳۱

در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای



KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

- ۷/ کتابخوانی باید در زندگی مردم وارد شود
- ۱۱/ نوشته‌ای که حاکی از اخلاص باشد انسان را تکان میدهد
- ۱۹/ نوشته‌های راجع به جنگ بسیار با ارزش و خوب است
- ۲۵/ کتابخوانی برای یک ملت واجب و لازم است
- ۲۹/ کتابخوانی باید یک سیره و سنت رایج بین مردم ما بشود
- ۳۵/ کتاب خوب یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است
- ۳۹/ وظیفه ما در عرصه‌ی کتاب
- ۴۳/ خرید کتاب یکی از مخارج اصلی خانواده‌ها محسوب شود
- ۴۹/ کتاب، مادر و عصاره‌ی تمدن‌هاست
- ۵۳/ استفاده از وقت‌های ضایع شونده برای مطالعه کتاب
- ۵۷/ بی‌مبالاتی در زمینه تولید، چاپ و نشر کتاب جایز نیست
- ۶۳/ مقابله با نفوذ دشمن از طریق مطبوعات و کتاب
- ۷۱/ ایجاد سیرهای مطالعاتی برای کتابخوانی
- ۷۹/ نوشتجات دفاع مقدس را قدر بدانید





«معرفةتھان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتھای سیاسی و اوراق روزنامہ‌ها و پرسہ‌زدن در سایتھای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینہا نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارھاست کہ حتماً لازم است. بہ نظر من آن کاری کہ مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رہبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



کتابخوانی باید در زندگی مردم وارد شود

❁ ضرورت ورود کتابخوانی به زندگی مردم

❁ مطالعه در هر فرصت بیکاری

❁ وجود کتاب برای سنین مختلف وظیفه

دستگاههای ذیربط

❁ توجه به ایجاد قوانین مورد نیاز در حوزه نشر

❁ سفارشی به ناشران

کتابخوانی باید در زندگی مردم وارد شود*

امروز حضرت عالی از سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید فرمودید. ارزیابی جناب عالی از این نمایشگاه چیست، وضعیت کتاب و کتابخوانی را چگونه میبینید و چه رهنمودی برای ترغیب و تشویق بیشتر مردم به کتابخوانی میفرمایید؟
بسم الله الرحمن الرحيم

✎ ضرورت ورود کتابخوانی به زندگی مردم

نمایشگاه خوب و دیدار آموزنده‌ی بود. کتابهایی را در این جا دیدم که از نشر و یا تألیف بعضی از آنها اطلاع نداشتم. به اغلب غرفه‌های ایرانی سر زدم و به آنها خداقوتی گفتم. مسأله‌ی کتاب، مسأله‌ی خیلی مهمی است. من علاوه بر این که خودم به کتاب و کتابخانه شایق هستم و این یکی از انگیزه‌هایی بود که من را به این جا آورد، علت عمده‌ی یکی که به این نمایشگاه آمدم، این بود که از این جا به همه‌ی مردم پیام بدهم که کتابخوانی را جدی بگیرند و کتاب بخوانند.

متأسفانه کتابخوانی، جز در بین یک عده از اهل علم و اهل تحصیل و کسانی که به طور قهری با کتاب سرو و کار دارند، یک کار رایج و روزمره به حساب نمی‌آید؛ در حالی که کتابخوانی باید مثل خوردن و خوابیدن و سایر کارهای روزانه، در زندگی مردم وارد بشود. چرا ما وقتی که یک کتاب خوب را نگاه میکنیم، میبینیم که مثلاً ده هزار نسخه از آن چاپ شده

است؛ بعد اگر خیلی استقبال شده باشد، به چاپ دوم و سوم میرسد و مجموعاً چهل، پنجاه هزار نسخه در ظرف چند سال چاپ میشود؟ در حالی که کشور ما با بیش از پنجاه میلیون نفوس - که اگر بچه‌ها و بیسوادان را از اینها خارج کنیم - شاید بیش از بیست میلیون نفر هستند که میتوانند از کتاب استفاده کنند. چرا باید پنج هزار، ده هزار و حداکثر پنجاه هزار نسخه کتاب چاپ بشود؟ اصلاً یعنی چه؟ معلوم میشود که در بین مردم ما، کتابخوانی رایج نیست. این، خیلی تأسف‌آور است.

🌸 مطالعه در هر فرصت بیکاری

من میگویم بایستی جوانان، پیران، مردان، زنان، شهریها، روستاییها و هر کسی که با کتاب میتواند ارتباط برقرار کند، باید کتاب را در جیبش داشته باشد و تا یکجا بیکار نشست - مثل اتوبوس، تاکسی، مطب پزشک، اداره، در دکان وقتی که مشتری نیست، در خانه به هنگام اوقات فراغت - کتاب را در بیاورد و بخواند.

🌸 وجود کتاب برای سنین مختلف وظیفه دستگاہهای ذربط

البته سؤالی در این جا مطرح میشود: آیا کتاب برای همه‌ی قشرهای سنی و تحصیلی و علمی داریم، یا نه؟ ممکن است پاسخ به این سؤال سخت باشد. لذا من از دستگاہهای موظف برای این کارها - مثل سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد، دانشگاهها - خواهش میکنم که گروههای متخصص و افراد صاحب نظری را بگمارند، تا برای همه‌ی قشرهای سنی و درجات تحصیلی و علمی و سوادِی مختلف، کتاب معین و معرفی کنند و یا تهیه نمایند. این، جزو کارهای ماست.

🌸 توجه به ایجاد قوانین مورد نیاز در حوزه نشر

علیایّ حال، مسأله‌ی کتاب، مسأله‌ی خیلی مهمی است. این نمایشگاه هم خیلی خوب و وسیع است؛ هر چند آنچه را که من تا حالا دیده‌ام، شاید نصف نمایشگاه نبوده است و نمیتوانم بقیه را هم ببینم. ما باید از آقایان در وزارت ارشاد متشکر باشیم؛ زیرا واقعاً زحمت کشیدند. فراهم کردن و در اختیار گذاشتن چنین دستگاہ عظیمی، کار خیلی سختی است. مردم استقبال کنند و بیایند کتاب بخرند. شاید بشود قوانینی هم به وجود بیاید که از حقوق ناشر و مؤلف و مترجم و ویراستار و بقیه‌ی کسانی که دست‌اندر کار کتاب هستند، دفاع کند، تا ان شاء الله کتاب و کتابخوانی رونقی بگیرد.

📖 سفارشی به ناشران

سفارشی هم به ناشران میکنم. اگرچه خوب است که کتاب را در کاغذها و جلدهای اعلا چاپ کنند، اما بعضی از کتابهایی که مشتری زیادی دارد، چاپ عمومی و مردمی هم برایش داشته باشند؛ یعنی با کاغذ کاهی و البته با چاپ خوانا منتشر کنند. چاپ باید خوب باشد؛ اما روی کاغذ کاهی بزنند و به میزان زیادی توزیع کنند، تا ارزانتر تمام بشود و افراد متعدد و زیادتری بتوانند از آنها استفاده کنند.

نوشته‌ای که حاکی از اخلاص باشد انسان را تکان می‌دهد

ترجمه کتب دفاع مقدس برای صدور مفاهیم انقلاب

تکیه کردن روی تفکر، منش و روحیه اسلامی و

بیان خوب در کتابها

دغدغه برای از بین نرفتن فرهنگ جنگ و انقلاب

بایستی دفاع مقدس تاریخ ما را تغذیه کند

صفا و درخشندگی کارها در گروهی اخلاص

حادثه عاشورا در نصف روز، منشأ حرکت و

برکاتی در طول تاریخ

تدبیر امام در استفاده از حادثه مدرسه فیضیه

هنر ائمه در استخراج گنج عاشورا

نقش هنر در ماندگاری حقایق منقلب کننده

نقش فوق العاده برجسته هنرمند مسلمان

میدان هنر هنوز دست شماها نیست!

ارزش و بی ارزشی در مقوله هنر

استقامت در راه، با داشتن اخلاص و تلاش بیشتر

نوشته‌ای که حاکی از اخلاص باشد انسان را تکان می‌دهد*

ترجمه کتب دفاع مقدس برای صدور مفاهیم انقلاب

تقریباً همه‌ی این کتابهایی که شما از «دفتر هنر و ادبیات مقاومت» منتشر کرده‌اید، خوانده‌ام و بعضی از آنها را بسیار فوق‌العاده یافته‌ام. همین «فرمانده‌ی من» که ذکر شد، از آن بخش‌های بسیار برجسته‌ی این کار است. نفس این فکر، فکر مهمی است. آنچه هم که آن‌جا نوشته شده و عرضه گردیده - حالا یا شما نوشتید، یا خود آن افراد نوشتند و برای شما فرستادند و بعد ویراستاری شده - بسیار چیز برجسته‌ی است. من وقتی اینها را می‌خواندم، به این فکر می‌افتادم که اگر ما برای صدور مفاهیم انقلاب، همین جزوه‌ها و کتابها را منتشر بکنیم، کار کمی نکرده‌ایم؛ کار زیادی انجام گرفته است. البته ایشان (۲) مزه دادند که بحمدالله به فکر ترجمه‌ی اینها هم هستند. اینها بسیار با ارزش است.

تکیه کردن روی تفکر، منش و روحیه اسلامی و بیان خوب در کتابها

جزوه‌ی هم به نام «مقتل» دیدم، که آن لحظه‌های حساس و تعیین کننده را شکافته بود؛ نقاطی که اصلاً مفاهیم اسلامی در آن جا خودش را نشان می‌دهد. در لشکر کشی - به عنوان کلان کار - چیزی از مفاهیم اسلامی دیده نمی‌شود. همه‌ی دنیا لشکر کشی میکنند، همه‌ی دنیا می‌جنگند، همه‌ی دنیا بالاخره یک روز می‌برند و یک روز می‌بازند، همه گریز دارند، همه هم حمله و فداکاری دارند؛ اما آن جایی که بخصوص تفکر و روحیه و منش اسلامی خودش را مشخص میکند، جاهای خاصی است. آن‌جاها را جستن و روی آنها تکیه کردن و آنها را خوب بیان کردن، حقیقتاً کار برجسته و مهمی است. خوشبختانه کارهای شما از همین قبیل است.

دغدغه برای از بین رفتن فرهنگ جنگ و انقلاب

بله، من هم در این نگرانیی که اشاره کردند، با شما برادران شریکم و این دغدغه در ذهن من هست که فرهنگ جنگ و فرهنگ انقلاب و در حقیقت روحیه‌ی انقلاب - آن روحیه‌ی که در جنگ، میدانی برای رشد و بالندگی پیدا کرده بود - از بین برود. البته باید به خدای متعال توکل کرد و به آینده خوشبین بود؛ که من حقیقتاً به آینده خوشبینم و خیلی از افقها را خوب و روشن میبینم. به هر جهت، این دغدغه وجود دارد و راه زایل کردن آن هم این است که ما تلاش بکنیم؛ یعنی وقتی به قدر وسعمان تلاش کردیم، دیگر دغدغه‌ی نخواهیم داشت.

بایستی دفاع مقدس تاریخ ما را تغذیه کند

اعتقاد من این است که اگرچه جنگ به خودی خود موضوعیتی ندارد، اما عرصه‌ی بسیار مهمی برای بروز روحیه‌ی اسلامی و انقلابی و خصلتهای مسلمانی درست است؛ از این جهت بسیار ارزشمند است. از بودن آن چنان زمان و محیطی بایستی شکرگزار بود؛ از نبودنش باید آدم واقعاً متأسف باشد و غصه بخورد. اگرچه کسی از جنگ - از حیث جنگ - خوشش نمیآید، اما این روی دیگر سکه، چیز بسیار عظیمی برای ماست. ما حالا که دیگر جنگ نداریم و نمیخواهیم هم به دست خودمان یک جنگ درست کنیم که عرصه‌ی انقلاب بشود، لیکن آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. ما باید از آنچه که در این هشت سال جنگ اتفاق افتاده، آن روحیه‌ی مقاومت، آن روحیه‌ی فداکاری همراه با اخلاص - همانی که حقیقتاً در عرصه‌های جنگ ما وجود داشت - استفاده کنیم.

صفا و درخشندگی کارها در گروهی اخلاص

آن جایی که نوشته‌های شما حاکی از اخلاص است، آن نقطه انسان را تکان میدهد. هر چیزی شما را به کنیدی که نشانگر اخلاص باشد، خیلی اهمیت دارد؛ و الا همه فداکاری میکنند؛ برای تعصب و خودنمایی هم فداکاری میکنند؛ خطر مرگ هم دارد. مثلاً خلبانی در یک مانور، جلوی چشم مردم چند معلق میزند و صدی پنجاه هم ممکن است سقوط کند؛ اما او این را برای خودنمایی قبول میکند. به خاطر خودنمایی، بیش از این را هم میکنند؛ مثلاً بعضی خودشان را آتش میزنند! اینها ارزشی ندارد. آن جایی که کار با اخلاص همراه است، یعنی انسان فقط برای خاطر خدا و برای انجام وظیفه‌ی الهی کاری را انجام میدهد، آن صفا و درخشندگی این را دارد. در نشان دادن این نقطه‌ها و جاری کردن این روحیه در طول و امتداد تاریخ ما، باید خیلی تلاش کرد؛ از آن هشت سال جنگ باید استفاده کرد.

حادثه عاشورا در نصف روز، منشأ حرکت و برکاتی در طول تاریخ

از اول تا آخر حادثه‌ی عاشورا، به یک معنا نصف روز بوده؛ به یک معنا دو شبانه روز بوده؛ به یک معنا هم

هفت، هشت روز بوده؛ بیشتر از این که نبوده است. از روزی که امام حسین وارد سرزمین کربلا شد، تاروی که از خاندان خود جدا گردید، مگر چند روز بوده است؟ از روز دوم تا یازدهم محرم، هشت، نه روز بوده؛ خود آن حادثه هم که نصف روز است. شما ببینید این نصف روز حادثه، چه قدر در تاریخ ما برکت کرده و تا امروز هم زنده و الهامبخش است. این حادثه فقط این نیست که آن را بخوانند و بگویند و مردم خوششان بیاید یا متأثر عاطفی بشوند؛ نخیر، منشأ برکات و حرکت است. این، در انقلاب و جنگ و گذشته‌ی تاریخ ما محسوس بوده است. در تاریخ تشیع، بلکه در تاریخ انقلابهای ضد ظلم در اسلام - ولو از طرف غیر شیعیان - حادثه‌ی کربلا به صورت درخشان و نمایان اثربخش بوده؛ شاید در غیر محیط اسلامی هم اثربخش بوده است. در تاریخ خود ما - یعنی در این هزار و سیصد، چهارصد سال - همان نصف روز حادثه اثر کرده است. پس، عجیب و بعید نیست. ما اگر نخواهیم هشت سال جنگ خودمان را با آن هشت، نه ساعت عاشورای امام حسین مقایسه کنیم، یا آن را خیلی درخشانتر بدانیم - که واقعاً هم همین است؛ یعنی من هیچ حادثه‌ی را در تاریخ نمیشناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل مقایسه باشد؛ همه چیز کوچکتر از آن است - لیکن بالاخره طرحی از آن، یا نمی از آن یم است. چرا ما فکر نکنیم که در داخل جامعه‌ی ما، برای سالهای متمادی میتواند منشأ اثر باشد؟

تدبیر امام در استفاده از حادثه مدرسه فیضیه

همیشه این نکته در ذهنم بوده که حادثه‌ی دوم فروردین - حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه - در مقابل حادثه‌ی پانزده خرداد، حادثه‌ی کوچکی بود؛ اصلاً قابل مقایسه با آن نبود. حادثه از یک ساعت یا دو ساعت به غروب شروع شد، تا یک ساعت بعد از شب ادامه داشت؛ یعنی سه، چهار ساعت به صورت شدید طلبه‌ها را در محیط مدرسه‌ی فیضیه کتک زدند و تهدید و اهانت کردند، و به صورت رقیق‌ترش تقریباً در خیابانهای اصلی قم آنها را زیر فشار قرار دادند. تا آن جایی هم که ما اطلاع داشتیم، گمانم یکی، دو نفر در آن حادثه کشته شدند و البته عده‌ی زیادی‌تری هم مجروح گردیدند. بنابراین، حادثه ابعاد خیلی زیادی نداشت. امام توانست آن حادثه را برای به حرکت در آوردن همه‌ی ملت ایران مورد استفاده قرار دهد. پانزده خرداد را که امام به وجود نیآورد - در این روز امام در زندان بود - پانزده خرداد یک حادثه‌ی خودجوش بود. پانزده خرداد، محصول حرکتی بود که امام در دوم فروردین به وجود آورد. من در همان سال، این نکته را به امام عرض کردم. نزدیک عید سال ۴۳ بود که من از زندان آزاد شده بودم و توانستم با تدبیری خدمت امام - که آن وقت در خانه‌ی در قیطریه بودند - بروم. من در همان چند لحظه‌ی بی که توانستم خدمت ایشان بروم و دستشان را ببوسم و با آن حال منقلبی که از دیدنشان داشتم، چند کلمه با ایشان حرف بزنم، همین مطلب را عرض کردم. گفتم نبودن شما در بیرون، موجب شد که پانزده خرداد با این عظمت، نتواند مورد استفاده قرار بگیرد. یعنی امثال ماها که در بیرون بودند، نتوانستند عسری از اعشار استفاده‌ی را که امام از دوم فروردین کرد، از پانزده خرداد بکنند؛ در حالیکه پانزده خرداد کانون عظیمی بود. بعد هم که امام بیرون

آمدند و تبعید شدند، اشاره‌ها و حرفهای ایشان در هشیار کردن و زنده کردن روحیه‌ی مبارزه در مردم و به خط آوردن جوانان، پانزده خرداد را آن چنان منشأ برکت کرد که در آن مدت مثلاً یک سال یا هشت، نه ماهی که امام نبودند و این حادثه با آن جوش و خروش اتفاق افتاده بود، هیچ کس نتوانسته بود از آن حادثه چنین استفاده‌ی بکند. می‌خواهم بگویم که این یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم، یا نه؟ این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم.

هنر ائمه در استخراج گنج عاشورا

امام سجاد توانست همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج کند. امام باقر و ائمه‌ی بعد از ایشان هم استخراج کردند و آن چنان این چشمه‌ی جوشان را جاری نمودند که هنوز هم جاری است و همیشه هم در زندگی مردم منشأ خیر بوده، همیشه بیدار کرده، همیشه درس داده و یاد داده که چه کار باید کرد؛ الان هم همین‌طور است. الان هم هر کدام از ما، هر جمله‌ی از عبارات امام حسین را که برایمان مانده، می‌خوانیم، به یاد می‌آوریم و احساس می‌کنیم که روح تازه‌ی می‌گیریم و حرف تازه‌ی می‌فهمیم. البته در این جاها معنای حرف تازه فهمیدن، مثل فرمول کشف‌نشده‌ی نیست که آن را کشف می‌کنیم؛ نه، صد بار هم شنیده‌ایم. آدم در لحظه‌ی از لحظات حقیقتی را درک میکند، بعد غفلی می‌آید و همانی که درک کرده است، از ذهنش می‌رود؛ طبیعت انسان این‌طوری است. لذا این فکر مستمری که ما احتیاج داریم بکنیم، این تذکر مستمری که ما احتیاج داریم بشنویم، برای این است که آن لحظه‌های فهم و معرفت و فروختگی ذهن و روح استمرار پیدا کند و انسان حالت بسط داشته باشد. این قبض و بسطی که عرفا می‌گویند، یک واقعیت است. انسان گاهی قبض دارد، اصلاً گرفته و بسته است، همه‌ی حقایق هم جلوی اوست؛ اما از آن حقایق و معارف، ترسحی به او نمیشود. گاهی هم انسان باز و مبسوط است و همه‌ی شعاعها و انوار به او میتابد. در آن لحظه، انسان گاهی مثل خورشید نور می‌دهد. خود انسان هم نورانیت خویش را احساس می‌کند. انسان بایستی این لحظه‌ها را در کلمات و فرمایشهای امام حسین (ع) جستجو کند و برای خودش به وجود بیاورد. این کلمات، چنان لحظه‌هایی را در انسان ایجاد میکند.

نقش هنر در ماندگاری حقایق منقلب‌کننده

ما در این هشت سال فداکاری داشتیم؛ شوخی که نیست. همین برادران جانباز و آزاده‌ی را که ملاحظه می‌کنید، هر حادثه‌ی که برایشان اتفاق افتاده، و هر تجربه‌ی مخلصانه‌ی که اینها یا خودشان نشان دادند یا در دیگری دیدند، به نظر من کافی است تا انسانهایی را هدایت کند. این حادثه‌ها و تجربه‌ها، ماها را واقعاً هدایت میکند.

من کتابهایی را که می‌خوانم، معمولاً پشتش یادداشت یا تقریظی مینویسم؛ یعنی اگر چیزی به ذهنم آمده،

پشت آن یادداشت میکنم. این کتاب «فرماندهی من» را که خواندم، بیاختیار پشتش بخشی از زیارتنامه را نوشتم: «السّلام علیکم یا اولیاء اللّٰه و احبّائه» (۳). واقعاً دیدم که در مقابل این عظمتها انسان احساس حقارت میکند. من وقتی این شکوه را در این کتاب دیدم، در نفس خودم حقیقتاً احساس حقارت کردم. چه کسی میتواند این شکوه را به ما نشان بدهد؟ این شکوه وجود دارد، ولی یک نفر باید آن را به ما نشان بدهد. او، چه کسی است؟ او، شما یید. یعنی اگر شما قدر خودتان را بدانید، میتوانید حامل آن چنان نورانیتهایی باشید که انسانها را تکان میدهد. آن طور حقایق واقعاً ماها را منقلب میکند. آن حقیقت اتفاق افتاد و یک لحظه از بین رفت. البته در ملکوت باقی است؛ اما در عالم ناسوت و در مادّیت و حساب زمان و مکان ما، در یک لحظه حادثه‌یی اتفاق افتاد و تمام شد و رفت. چه چیزی میتواند این حادثه را ماندگار کند؟ چه چیزی میتواند آن را به گونه‌یی که حتّی چشم عادی در حضور نمیبیند، در غیاب آن حادثه، به دل و بصیرت انسان تفهیم بکند؟ آن، هنر است. هنر این نقش را دارد و میتواند این کار را انجام بدهد.

نقش فوق العاده بر جسته هنرمند مسلمان

من حوادثی را به چشم خودم دیده‌ام که شاید چشم مادّی نتوانسته آنها را درک کند؛ اما بعد که شما هنرمندان آنها را به نگارش درمیآورید، یا در قالب نمایش نشان میدهید و یا به زبان قصه بیان میکنید، من آن حوادث را که بازبینی میکنم، میبینم عجب حوادثی بوده است؛ تازه شروع به فهمیدن آن میکنم. لذا به نظر من، نقش هنرمند مسلمان، نقش فوق العاده بر جسته‌یی است.

میدان هنر هنوز دست شماها نیست!

متأسفانه میدان هنر هنوز دست شماها نیست. یکی از معجزات انقلاب، پرورش هنرمندان و روایتگران تاریخ انقلاب است. بحمدالله تعدادی هم هستید، اما کسانی هم هستند که از لحاظ عده و عده بر شما ترجیح دارند، از شما جلویند و امکانات در اختیارشان است؛ بعضیشان از لحاظ هنری هم سرشارند، اما ثروتی در خدمت بیگانگان، و تیغی در دست دشمنانند.

ارزش و بی‌ارزشی در مقوله هنر

انسان معمولاً خودش را در مقابل هنرمند کوچک احساس میکند. من خودم وقتی هنرمندان را نگاه میکنم، میبینم که جایگاه رفیعی در مقابلم دارند؛ اما آن هنرمندانی که هنرشان در خدمت بیگانگان است، هر چند هنرشان هم بالاست و بعضیشان از لحاظ هنری بسیار برجسته‌اند، ولی من در هنری که آنها دارند، ارزشی حس نمیکنم.

پول و ثروت و قوت بازو و زبان گویا و بقیه‌ی ثروتهایی که در خدمت حق و انسانها و راستی و درستی نباشد، چه ارزشی دارد؟ ارزشی ندارد. الان علم در خدمت سلاحهای اتمی و در دست اسرائیل است. آیا این

ارزشمند است؟ نخیر، هیچ ارزشی ندارد. ارزش این چیزها نسبی است. ارزش مطلق، متعلق به اینها نیست. البته چیزهای ارزشمند مطلق وجود دارد. اصلاً مبانی ادیان، مطلق کردن ارزشهای صحیح و راستین است؛ منتها علم و صنعت و تکنولوژی، از آن ارزشهای مطلق نیست؛ تا در کجا به کار برود، تا در دست چه کسی باشد، تا از آن چگونه استفاده بشود؛ هنر هم از این قبیل است.

استقامت در راه، با داشتن اخلاص و تلاش بیشتر

اگر شما عده و عده‌تان هم در مقابل خیل هنرمندان آن چنانی کمتر باشد، در عین حال ارزشتان به مراتب از آنها بالاتر و بیشتر است؛ اگر چه من فکر میکنم که عده‌تان را هم نمیشناسم. در این زمینه، اگر لازم دانستید که بعد مطلبی را به من بگویید، بگویید. همین الان، از آن نامه‌ی مفصلی که آقایان نسبت به من اظهار محبت کرده بودند و یک ستون از هنرمندان اسمشان در پایین نامه درج شده بود، یادم آمد. اگر چه من خیلی از اسمها را نمیشناختم، اما خیلی بودند. ما یقیناً نیروهای خوب هم زیاد داریم؛ باید اینها را بشناسیم. آن اوایل انقلاب، بعضیها میگفتند که قحطالرجال است؛ ما میگفتیم که جهل الرجال است. واقعش این است که ما شخصیتها را نمیشناسیم.

به هر حال، کارتان، کار مهمی است. من همین را خواستم عرض بکنم که بدانید؛ اگر چه شماها میدانید. باید هم در این خط و در این صراط، با همت و تلاش بیشتر، با کوچک دیدن مشکلات و بلند برداشتن قدمها، با دور دیدن اهداف، با استمداد از خدای متعال و داشتن اخلاص - که اساس قضیه، همین اخلاص است - ان شاء الله راه را ادامه بدهید. ما هم - همان طور که عرض کردم - واقعاً به شماها دعا میکنیم که خدا توفیقتان بدهد و کمکتان کند. از این که الحمدلله این جریان طیب و طاهر در داخل جامعه‌ی ما هست، خوشحالیم و خدا خدا میکنیم که هر چه بیشتر شماها موفق و دلگرم بشوید و دستتان گرمتر به طرف کارهای اساسی و خوب برود و با کمک خدا ان شاء الله موانع را بردارید. ان شاء الله آقایان موفق و مؤید باشند. سلام من را به برادرانی که در شهرستانها هستند و در این جلسه حضور ندارند، برسانید.

نوشته‌های راجع به جنگ بسیار با ارزش و خوب است

ابتکار عمل در معرفی جنگ

اهمیت نوشته‌های بسیار با ارزش رزمندگان جنگ

ضرورت کشف و حفظ آثار جنگ

تلاش برای برجسته کردن نقش‌ها در دفاع مقدس

اهمیت استفاده از اسناد تاریخی در ادبیات و

هنر مربوط به جنگ

ارزش بنیانی جمع‌آوری روایت‌های جنگ

باب نوآوری بسته نشود!

نوشته‌های راجع به جنگ بسیار با ارزش و خوب است*

ابتکار عمل در معرفی جنگ

ما جز تشکر از شما برادران عزیزی که یک کار به این سودمندی را با این روحیه‌ی خوب و با این شور و احساس و علاقه دنبال می‌کنید، چه می‌شود بگوییم؟ چیزی که در این کار نظر من را خیلی جلب کرد، ابتکاری بودن حرکت بود. شما راه نشناخته‌یی را به سوی معرفی جنگ کشف کردید؛ و این خیلی مهم است. وقتی که جلد اول کتاب شما^۱ درآمد، طبعاً به‌طور عادی مثل بقیه‌ی منشوراتی که پیش من می‌آوردند، نشستیم آن را خواندم. این کتاب از بس من را جذب کرد، آن را تا آخر خواندم؛ بعد دیدم این کافی نیست؛ به خانه بردم و گفتم همه بنشینید این کتاب را بخوانید! در جمع خانواده، جاهایی از این کتاب را خود من باز کردم و خواندم؛ گفتم این کتاب اصلاً باید در فضای خانه‌ها باشد و همه باید آن را همیشه داشته باشند.

اهمیت نوشته‌های بسیار با ارزش رزمندگان جنگ

این حادثه‌ی جنگ، واقعاً حادثه‌ی عجیبی بود. بنده هم که می‌گویم عجیب بود، یقین دارم که ابعاد شگفتی این جنگ را به تمام درک نکرده‌ام. این مثل آن است که شما از فاصله‌ی خیلی زیادی، ساختمان خیلی عظیمی را بالای کوه می‌بینید و می‌فهمید که خیلی با عظمت است؛ اما درمی‌یابید که هنوز هم ابعاد عظمت آن را نفهمیده‌اید؛ وقتی که بروید لمس کنید و اطرافش را ببینید، آن وقت خواهید فهمید که چه قدر عظمت دارد؛ قضیه‌ی ما حقیقتاً این است. اگر چه ما جنگ را از نزدیک

*. بیانات در دیدار اعضای دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه
۱. فرهنگ جبهه»، مؤلف: سید مهدی فهمی

دیدیم، اما - به قول شهریار - به تاریکی دیدیم و آن را درست نشناختیم.^۲ این هشت سال، تجربه‌ی عجیبی بود.

این نوشته‌هایی که راجع به رزمندگان و جنگ منتشر می‌شود - که غالباً هم همین حوزه‌ی هنری چاپ و منتشر می‌کند و انصافاً چیزهای بسیار باارزش و خوبی هم است - هرچه به دستم می‌رسد، می‌خوانم. با این که ما این همه از نزدیک و از دور، به وسیله‌ی گزارشها و از طریق خبرهای شخصی و فردی، در جریان مسائل اینها بودیم و چه قدر از اینها را من خودم دیده بودم، در عین حال الان که می‌خوانم، می‌بینم نخیر، ما هرگز نمی‌توانستیم آن ابعاد و آن هفت توی حوادث را از دور ببینیم؛ حالا که انسان می‌خواند، می‌فهمد که چه دنیای عجیبی بود. به هر حال دروازه‌ی عظیمی بود که الان به روی ما بسته شده است.

❁ ضرورت کشف و حفظ آثار جنگ

ما باید آن مجموعه را همچنان که هست، مثل آثار ساختمانی جنگ - که امام فرمودند اینها را حفظ کنید - حفظ کنیم؛ این اهمیتش از آنها خیلی بیشتر است. ما تا آن جا که می‌توانیم، باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم؛ که حالا شما دارید این کار بزرگ را انجام می‌دهید. تاریخ نمی‌تواند اینها را بیان کند. در تاریخ خواهند گفت هشت سال جنگ شد - دیگر بیشتر از این که نمی‌شود بگویند - عملیاتها را یکی یکی خواهند گفت؛ در فلان تاریخ، عملیات فتح‌المبین شد؛ در فلان تاریخ، فلان عملیات شد؛ این قدر نیرو شرکت داشت؛ پیروزی به دست آمد؛ اما اینها کجا، و حقیقت آنچه که در این میدانها گذشته، کجا؟ شما بحمدالله دارید به این قضیه رسیدگی می‌کنید؛ کار را مغتنم بشمارید.

❁ تلاش برای برجسته کردن نقش‌ها در دفاع مقدس

شاید اغلب و یا همه‌ی شما در جبهه بوده‌اید و آن را درک کرده‌اید - من که یکایک شما برادران را نمی‌شناسم - قاعدتاً تا کسی در آن جا نباشد، آن شوق و آن معرفت برایش پیدا نمی‌شود که دنبال این چیزها برود و عمر خود را مصرف کند؛ یقیناً بودن و دیدن و لمس کردن و حس کردن، مؤثر است. به هر حال، این کار شما یک حسنه‌ی باقیه و یک صدقه‌ی جاریه است؛ و هر چه هم بگذرد، ارزش کار شما بیشتر فهمیده می‌شود. البته باید تلاش کنید که هر چه ممکن است، این نقشها را برجسته کنید.

❁ اهمیت استفاده از اسناد تاریخی در ادبیات و هنر مربوط به جنگ

شما این اصطلاحات را جمع کردید؛ خوب، این اصطلاحات خیلی ارزش دارد. مجموعه‌ی آن به صورت یک ماده‌ی خام تاریخی و به صورت یک سند تاریخی، الان در اختیار ماست. بر اساس سند تاریخی، کارهای گزارشی فراوانی ممکن است انجام بگیرد. چه قدر خوب است که آن کسانی که فیلم می‌سازند،

یا قصه می‌نویسند، یا شعر می‌گویند، یا نمایشنامه می‌نویسند، از این نوشته‌ها و از این اسناد استفاده کنند. آن وقتی کارایی این نوشته‌ی شما به حد نهایت می‌رسد، که در ادبیات و در هنر راجح مربوط به جنگ بیاید و به خورد آنها برود؛ همچنان که آن اسمها و لقبهایی که به آن اشاره کردید - مثل حسن بی‌ریا - خودش موضوع یک داستان است؛ این باید بیاید و مثل نگینی که انسان در جای مهمی آن را می‌نشانند، در جای مهمی قرار بگیرد. نگین پیاده شده، نگین است؛ وقتی هم بر روی انگشتری یا ظرف حساس و فلزی نشست، بر ارزش نگینی آن چیزی اضافه نمی‌شود؛ همان نگین است؛ فرقی نمی‌کند؛ اما درخشندگی و جلوه‌ی آن چند برابر می‌شود. مثلاً ملاحظه کنید، این فیروزه‌هایی که جزو موقوفات امام رضا (علیه‌الصلاة والسلام) بود، مرحوم حافظیان آمد اینها را دانه دانه در ضریح آن حضرت روی قبه‌ها نشانند و ضریح جلوه پیدا کرد. فیروزه، همان فیروزه است؛ ارزش گوهری آن هیچ تفاوتی نکرده - همان گوهر است - لیکن جلوه‌ی آن چند برابر شده است. این جلوه کمک می‌کند تا افراد بیننده قدر آن را درست بشناسند؛ در آن درست خیره بشوند و دقت کنند و چیزهای ریز آن را بفهمند و بشناسند؛ و الا این خطنوشته‌ی خیلی زیبا را اگر ما نوشتیم و کنار گذاشتیم، کسی چندان توجهی به آن نمی‌کند؛ اما وقتی آن را تابلو کردیم، این تابلو فرصت می‌دهد تا آنهایی که اهل این کار هستند، بیایند در ریزه‌کاریهای این خطنوشته دقت کنند.

شما این نسج زیبا و قیمتی را بافتید؛ اما این بافتن وقتی به همین شکل در اختیار افراد قرار می‌گیرد، مبلغی از آن استفاده می‌کنند؛ کم‌این که خود من از این نوشته‌های شما خیلی استفاده کرده‌ام. من نوشته‌های شما را دوست می‌دارم؛ بخصوص آن «فرهنگ جبهه» را، که انصافاً خیلی زیبا و شیرین بود؛ از آن قسمت لطیفه‌ها، این بهتر بود. با این که لطیفه‌ها هم یادگاری است، اما نمی‌دانم آن اصطلاحات چه حالتی داشت؛ انصافاً نکات پرمغز و پرمعنایی در آن دیده می‌شد.

❏ ارزش بنیانی جمع‌آوری روایت‌های جنگ

من در جاهایی از این کتاب، نکاتی را هم یادداشت کرده‌ام؛ بخصوص آن جایی که فهمیده‌ام این جمع کننده، به نکته‌ی خیلی ریزی از کیفیت نگارش و جمع کردن توجه کرده است. من در این گونه موارد علامتی زده‌ام، و یا اگر خودم چیزی فهمیده‌ام، بعضی از آنها را یادداشت هم کرده‌ام. علی‌ای حال، اگر همینها در قالب داستان، شعر، فیلم و فیلمنامه بیاید، جلوه‌ی جدیدی پیدا می‌کند و بهتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. باید این توصیه را به همه کرد که از این مواد استفاده کنند؛ لیکن اساس کار این است که این روایات جمع بشود. شما باید همه‌ی این روایات را جمع بکنید، تا بعد کسانی بیایند از این روایات به عنوان مصالح کار استفاده کنند و چیزهایی بسازند. بنابراین، کار شما ارزش بنیانی و اولی دارد.

🕌 باب نوآوری بسته نشود!

به هر حال، آنچه که ما می‌توانیم به شما عرض بکنیم، همین است که از شما تشکر کنیم و بگوییم که ما به این کارهای شما، و به تبع به خود شما اخلاص داریم. از خدای متعال می‌خواهیم که به شما کمک کند، تا بتوانید ان شاء الله این کارها را دنبال کنید.

به برادر عزیزمان آقای فهیمی که این کار بسیار شیوا و جالب و ماندنی را شروع کردند، عرض می‌کنم که آن چیزی که مهم است، ابتکار و نوآوری است. نوآوری، باب بسیار واسعی است. توصیه‌یی که من دارم، این است که باب این نوآوری بسته نشود و همین طور دائماً راههای تازه و درهای جدیدی ان شاء الله باز بشود.

کتابخوانی برای یک ملت واجب و لازم است

نمایشگاه کتاب، یادآوری ای برای نسل اهل

کتاب و کتابخوان

اهمیت کتابخوانی برای ملت و جامعه

خواهش میکنم با کتاب انس پیدا کنید

نمایشگاه کتاب، فرصتی برای ایجاد شوق و

عشق به کتاب

کتابخوانی برای یک ملت واجب و لازم است *

حضرت آیه الله خامنه‌ای! ضمن تشکر از این که وقت گرامی تان را در اختیار ما گذاشتید، خواهش می‌کنم بفرمایید نمایشگاه امسال را در مقایسه با سال گذشته، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم.

نمایشگاه کتاب، خیلی خوب بود. امسال به گمان من، از سال گذشته، بهتر و جامعتر بود. طبق گزارشی هم که برادران دادند، شرکت کنندگان در نمایشگاه کتاب امسال - چه شرکت کنندگان خارجی و چه ناشرین داخلی - گویا بیش از سال گذشته هستند و نظم و ترتیب بسیار خوبی حاکم بود. کتابهای زیادی را دیدیم و کتابهای تازه‌ای را مشاهده کردیم. من لازم است از برادران عزیزی که مسؤول این کار هستند؛ از وزارت ارشاد که این بار سنگین را بر دوش دارد و از برادرانی که مباحثاً مشغول این کارند، صمیمانه تشکر کنم.

نمایشگاه کتاب، یادآوری‌ای برای نسل اهل کتاب و کتابخوان

اما در باب این نمایشگاه، لازم می‌دانم که به مردم عزیزمان و بخصوص به قشر و نسلی که با کتاب سروکار و انس دارند، توصیه کنم که با این گونه نمایشگاهها و نمایشگاه کتاب، بالخصوص، ارتباط برقرار کنند. نمایشگاه کتاب، هم فرصتی است برای ناشران که بتوانند منشورات و کارهای جدید خودشان را در جایی در مقابل چشم بسیاری از مردم عرضه کنند و هم یک فرصت بسیار خوب است برای کتابخوانها که بتوانند از تازه‌ترین آثار، مطلع شوند. بنده با این که از فهرستها و اخبار کتاب و مطبوعات بی‌خبر نیستم، لکن در

عین حال، وقتی که در نمایشگاه به هر یک از غرفه‌ها وارد می‌شوم، می‌بینم کتابها و عناوین زیادی هست که ما از آنها خبر نداریم. چقدر خوب است که کتابخوانها، با کتابهایی که تازه منتشر شده، آشنا شوند و فرصت پیدا کنند آنها را بیابند، ببینند، و از آنها، استفاده کنند. چیز دیگری هم که در این نمایشگاه کتاب است و من می‌خواهم بر آن تأکید کنم، این است که نمایشگاه کتاب، یک یادآوری است برای نسل اهل کتاب و کتابخوان که هر چه بیشتر، به کتاب اقبال کنند و رو بیاورند و با کتاب انس بگیرند.

❁ اهمیت کتابخوانی برای ملت و جامعه

من با این که این مطلب را مکرر برای مردم عزیز خودمان گفته‌ام، در عین حال، چون مطلب مهمی است، باز هم می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و عرض کنم که: مردم ما، با کتاب، بیش از آنچه که امروز انس دارند باید انس بگیرند. کتابخوانی چیزی است که برای یک ملت، فریضه است؛ واجب و لازم است. مردمی که اهل کتاب خواندن باشند، از لحاظ معلومات و ذکاوت و هوشیاری، تفاوت می‌کنند با مردمی که با کتاب و مطبوعات انس نداشته باشند.

❁ خواهش میکنم با کتاب انس پیدا کنید

خوشبختانه کتاب زیاد است و کتابهای زیادی چاپ می‌شود. نمی‌خواهم عرض کنم همه آنچه که چاپ می‌شود، کتابهای خوب و مفیدی است؛ نه. ای بسا کتابی که چاپ می‌شود و به بازار هم می‌آید، اما کتاب مفیدی نیست. کتاب بی‌فایده و عاطل و باطلی است که اگر کسی نگاهش کند، از آن استفاده‌ای نخواهد کرد. و ای بسا کتابی که چاپ می‌شود و به بازار هم می‌آید و مضر است! نه این که فایده ندارد، بلکه ضرر هم دارد. الان ما در کتابهایمان - کتابهای بازار مطبوعات کشور - چنین کتابهایی را داریم که در دسترس مردم است؛ یعنی چاپ شده و به بازار هم آمده است؛ اما هیچ فایده‌ای که ندارد، مضر هم هست. با این همه، اینها بخشی و تعداد کمی از مطبوعات است. اکثر آنچه که چاپ می‌شود، مفید است؛ چه از جهات علمی، چه از جهات فرهنگی، چه از جهات دینی، چه از لحاظ معارف گوناگون اسلامی و چه از لحاظ ادبی و هنری. مردم ما، از معارفی که در کتابهاست بی‌نیاز نیستند و باید کتابها را بخوانند. انس با کتاب، بسیار چیز باارزشی است. من، بخصوص از جوانان، بخصوص از طلاب و دانشجویان و معلمین خواهش می‌کنم که با کتاب انس پیدا کنند. البته اینها را که می‌گوییم تأکید است؛ و الا همه نسلها، از جمله اهل کسب، کارگران، نویسندگان، زنان در خانه‌ها و بیرون خانه‌ها، کارمندان ادارات، اعضای نیروهای مسلح، همه و همه باید با کتاب انس پیدا کنند.

❁ نمایشگاه کتاب، فرصتی برای ایجاد شوق و عشق به کتاب

این نمایشگاه فرصتی است برای این که شوق و عشق به کتاب در آنها به وجود آید. من که در این

نمایشگاه شرکت می‌کنم، یک علتش، شوق ذاتی خودم به کتاب است، که مایلیم کتاب و کتابخانه و منشورات جدید را ببینیم. لکن یک علت هم به خاطر این است که اهمیت این کار را می‌خواهم به جوانانی که فرصت و توان جسمانی بیشتری از مثل من دارند، بگوییم که بیایید کتابهارا ببینید و از آنها استفاده کنید. این، درباره نمایشگاه که لازم بود چند جمله عرض کنم و انصافاً کار بزرگی است. ترتیب دادن این نمایشگاه، کار بسیار باارزشی است. برادران زحمت می‌کشند و این کار را روبه‌راه می‌کنند.

کتابخوانی باید یک سیره و سنت رایج بین مردم ما بشود

نمایشگاه کتاب، میدانی برای عرضه‌ی بهترین و

تازه‌ترین عناوین کتاب

دو منظور برای بازدید هر ساله از نمایشگاه کتاب

افزایش چشمگیر هر ساله کمیت کتاب

دو توصیه راجع به امر کتاب

۱- توصیه به مسئولین: گسترش امر نمایشگاه در

سطح کشور

نقش و جایگاه ویژه کتاب و کتابخوانی

۲- توصیه به عموم ملت: عادت به کتابخوانی

دستیابی به بخشی از معارف موجود در عالم با

کتابخوانی

استفاده از هر نوع فرصت برای کتابخوانی ولو

نیم ساعت

دغدغه تولید کتاب خوب

جلوگیری از تولید کتابهای مروج فساد و فحشا

پیشنهاد برای کتابخوان شدن مردم

کتابخوانی باید یک سیره و سنت رایج بین مردم ما بشود*

حضرت آیة الله خامنه‌ای! شما امروز بازدید چند ساعته‌ای از غرفه‌های مختلف ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران داشتید. بفرمایید که ارزیابی‌تان از این نمایشگاه و همچنین محتوای آن و مقایسه‌اش با نمایشگاه سال گذشته چگونه است؟

نمایشگاه کتاب، میدانی برای عرضه‌ی بهترین و تازه‌ترین عناوین کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

نمایشگاه کتاب، یکی از پدیده‌های بسیار خوب و شیرین و پرفایده‌ی جمهوری اسلامی است. در گذشته، چنین چیزهایی را به یاد نداریم و سابقه ندارد. میدانی است برای عرضه‌ی بهترین و تازه‌ترین عناوین کتاب، در متنوع‌ترین موضوعات. در سابق که سراغ کتاب می‌رفتیم، افراد کتابخواه و کتابخوان را می‌دیدیم که از این دکان به آن دکان می‌رفتند و چندین خیابان را می‌گشتند تا بتوانند کتابهای روز و تازه منتشر شده را پیدا کنند. اما این نمایشگاه می‌تواند همه‌ی آنچه را که مردم می‌خواهند، در اختیارشان بگذارد. بخصوص که چون نمایشگاه بین‌المللی است، کتابهای خارجی هم محکوم به همین حکم است و همه‌ی اینها در یک صحنه‌ی قابل دسترس، در اختیار همه است. لذا این نمایشگاه، پدیده‌ی بسیار خوبی است.

دو منظور برای بازدید هر ساله از نمایشگاه کتاب

حضور بنده هم، که هر سال به این نمایشگاه می‌آیم و شرکت می‌کنم، به دو منظور است: یک منظور،

اشباع و پاسخگویی به خواست قلبی خودم است. بنده هم مثل همه‌ی شهروندانی که در این فصل به سراغ کتاب می‌آیند تا مقصود و مطلوب خودشان را پیدا کنند، با همان انگیزه به این جا می‌آیم. مقصود دوم، که شاید در مواقعی بر مقصود اول برتری پیدا کند، این است که می‌خواهم این کار و این سنت، یعنی سنت کتابخوانی و کتابخواهی و در جستجوی کتاب حرکت کردن، مقداری قدردانی شود و آقایانی که زحمت می‌کشند و این نمایشگاه را می‌گذارند و کار به این خوبی را هر سال انجام می‌دهند وزیر و مسؤولین محترم وزارت ارشاد و مسؤولین نمایشگاه با این کار، مورد تقدیر ما قرار گرفته باشند.

افزایش چشمگیر هر ساله کمیت کتاب

اما این که بخواهم مقایسه‌ای بین امسال و سالهای قبل بکنم، برای بنده میسور نیست شاید برای کمتر کسی هم میسور باشد چون اولاً همه‌ی غرفه‌ها را که نتوانستیم نگاه کنیم و نخواهیم توانست. یعنی من نمی‌توانم در یک روز، از همه‌ی این غرفه‌ها بازدید کنم. گمان می‌کنم بیش از دو، سه تالار را نتوانستیم ببینیم. فکر می‌کنم تا به حال حدود چهار، پنج ساعت طول کشیده و هنوز برنامه‌ی ما به پایان نرسیده است و باز ادامه خواهد داشت. بنابراین، اگر بخواهم برای همه‌ی غرفه‌ها وقت صرف کنم، بیش از یک روز باید وقت بگذارم و این، برای من میسور نیست. پس، حالا ارزیابی‌ای ندارم. اما آنچه که در مورد این نمایشگاه می‌توانم بگویم این است که من همین‌طور که در سالنها حرکت می‌کنم و این فروشگاههای خاص را یکی یکی نگاه می‌کنم، یا وارد می‌شوم و سؤال می‌کنم، می‌بینم انصافاً وضع کتاب، از لحاظ کمیت خیلی چشمگیر است. البته از لحاظ کیفیت هم تا حدودی، در بعضی جاها، عناوین خوبی را مشاهده کردم که جالب بود. بنابراین، نمایشگاه، نمایشگاه خوبی است و اقبال مردم همان‌طور که دیده می‌شود خوب است. تالارها و محوطه‌هایی را که من دیدم، شلوغ و پر از جمعیت بود.

به نظر حضرت عالی، برگزاری این گونه نمایشگاهها چه تأثیری در رونق بخش فرهنگ خواهد داشت و چه توصیه و رهنمودی برای دست‌اندرکاران چاپ و انتشارات دارید؟

دو توصیه راجع به امر کتاب

این که نمایشگاهها چه اثری دارد، خوب؛ قهراً آثاری دارد. از جمله، عده‌ای را تشویق می‌کند. بعد هم در صدا و سیما اخبار این جا منتشر می‌شود و کسانی که علاقه‌مندند، به فکر می‌افتند که یا حالا و یا بعدها، به نمایشگاه مراجعه کنند و کتاب بخرند. این که معلوم است. اما آنچه که می‌خواهم عرض کنم، دو توصیه راجع به امر کتاب است: توصیه‌ی اول به دست‌اندرکاران امر کتاب از قبیل وزارت ارشاد و بقیه‌ی کسانی است که به کار کتاب اشراف دارند و از لحاظ مقررات کشور و نظام دولت جمهوری اسلامی، امور کتاب به آنها مربوط می‌شود. توصیه دیگر هم به عامه‌ی مردم و عموم ملت و خواهران و برادران عزیز ایرانی مان

است.

۱- توصیه به مسئولین: گسترش امر نمایشگاه در سطح کشور

در مورد بخش اول، می‌خواهم به آقایانی که در وزارت ارشاد مشغول خدمتند، توصیه کنم که این کار را، هم در سطح کشور و هم از لحاظ زمانی گسترش دهند. چه خوب است نمایشگاههایی در مراکز استانها تشکیل گردد، یا انگیزه‌هایی برای مطرح شدن موضوع کتاب ایجاد شود و همچنان که اکنون به بهترین مؤلفان، نویسندگان و مترجمان جایزه می‌دهند، مثلاً بهترین کتابداران و بهترین کتابخانه‌داران را نیز تشویق کنند. مثلاً ببینند بیشترین کتابخانه‌ها در کدام شهر است؛ در کدام محله است؛ مربوط به کدام قشر از قشرهای مردم است و آنها مورد تشویق قرار گیرند. یعنی هر آنچه که مربوط به کتاب و کتابخانه و کتابخوانی و تولید کتاب است، مورد توجه و تشویق و تقدیر قرار گیرد. من فکر می‌کنم اگر بتوانیم فرهنگ کتابخوانی را در کشور رایج کنیم و در کنار آن، تولید کتاب را هم خوب گسترش دهیم، بخش عمده‌ای از وظایف فرهنگی دولت جمهوری اسلامی، بدین وسیله انجام خواهد گرفت.

نقش و جایگاه ویژه کتاب و کتابخوانی

کتاب، مقوله‌ی بسیار مهمی است. من البته به کارهای هنری و تصویری، تلویزیون یا سینما یا از این قبیل مقولات، خیلی اعتقاد دارم؛ اما کتاب، نقش و جایگاه مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیز پر نمی‌کند و باید کتاب را ترویج کرد. این توصیه برای کسانی است که مربوط به وزارت ارشادند و امور کتاب، از لحاظ مقررات کشور به آنها ارتباط پیدا می‌کند.

۲- توصیه به عموم ملت: عادت به کتابخوانی

و اما، آنچه که مربوط به عموم ملت ایران است: من هر سال که به این نمایشگاه آمده‌ام، صحبتی کرده‌ام و مسائلی را گفته‌ام. باز هم می‌خواهم عرض کنم که مردم باید به کتابخوانی عادت کنند و باید کتاب وارد زندگی آنان شود. در مصاحبه‌ای که چندی پیش، تلویزیون با بعضی از جوانها کرده بود، پرسیده بودند: «آیا شما کتاب می‌خوانید؟» متأسفانه اغلب جوابها منفی بود.

دستیابی به بخشی از معارف موجود در عالم با کتابخوانی

برخی کتاب را اصلاً جزو ضروریات زندگی نمی‌دانند. خوب؛ چطور شما اگر در جایی نشسته باشید و بغل دستتان اتاقی باشد و در آن جا رویدادی بگذرد و یا خبر تازه‌ای باشد، طاقت نمی‌آورید بنشینید و برمی‌خیزید ببینید در آن اتاق چه می‌گذرد! به هر حال اطراف ما را خبرهای تازه، پر کرده است. آن قدر معلومات و آن قدر معارف در همه‌ی زمینه‌ها وجود دارد. پس، چطور حاضر نیستیم سرک بکشیم و نگاهی

بیندازیم و ببینیم چه خبر است؟! اگر بخواهیم بدانیم که در دنیای معارف چه می‌گذرد، راهش این است که کتاب بخوانیم. هر کس کتاب بخواند، به بخشی از معارف موجود عالم دست خواهد یافت و از خبرهایی که در دنیا هست از خبرهایی که بوده است و حتی از آنچه که در همهی زمینه‌ها خواهد بود مطلع خواهد شد. لذا، کتابخوانی را باید جزو عادات خودمان قرار دهیم.

استفاده از هر نوع فرصت برای کتابخوانی ولو نیم ساعت

به فرزندمان هم از کودکی عادت بدهیم کتاب بخوانند. مثلاً وقتی می‌خواهند بخوابند، کتاب بخوانند. یا وقتی ایام فراغت هست؛ روز جمعه‌ای هست که تفریح می‌کنند، حتماً بخشی از آن روز را به کتاب خواندن اختصاص دهند. در تابستانها که نوجوانان و جوانان محصل، تعطیلند حتماً کتاب بخوانند. یعنی کتابهایی را معین کنند، بخوانند و تمام کنند. افرادی که کار روزانه دارند مثلاً کارمند اداری، کارگر، کاسب و یا کشاورز هستند وقتی به خانه می‌آیند، بخشی از زمان را ولو نیم ساعت برای کتاب خواندن بگذارند.

چقدر کتابها را در همین نیم ساعتها می‌شود خواند! بنده دوره‌های بیست جلدی و بیست و چند جلدی کتاب را در همین فاصله‌های ده دقیقه، بیست دقیقه و یک ربع ساخته خوانده‌ام. پشت این کتابها را هم یادداشت می‌کنم که معلوم باشد. شاید صدها جلد کتاب را همین‌طور در این فاصله‌های کوتاه ده دقیقه‌ای خوانده‌ام. بسیاری از افراد را هم می‌شناسم که این گونه‌اند.

من یک دوره‌ی کتاب هشت جلدی را که یک نویسنده‌ی عرب نوشته است و از کتابهای معروف هم هست نمی‌خواهم اسم بیاورم در سالهای دور، وقتی به تهران می‌آمدم و در اتوبوس زیاد معطل می‌شدم، خواندم. همه‌ی این دوره‌ی هشت جلدی را که راجع به تاریخ ادبیات و علوم و معارف اسلامی است، تقریباً در اتوبوس خواندم.

دغدغه تولید کتاب خوب

کتابخوانی باید یک سیره و سنت رایج بین مردم ما بشود. کتاب بخوانند و به فرزندانشان هم یاد بدهند. خانمها در خانه کتاب بخوانند و معلومات بیدوزند. البته در کنار این مسائل، باید به فکر باشیم و دغدغه‌ی نوع کتابهایی که تولید می‌شود نیز در ما باشد. باید کتاب خوب تولید شود. کتاب یک غذاست؛ یک غذای روح است؛ یک نوشیدنی روح است و چنانچه مقوی باشد، روح را تقویت می‌کند. ما که سفارش می‌کنیم از این نوشیدنی بخورید، نوع نوشیدنی را معین نکرده‌ایم. باید مواظب باشیم که مبادا نوشیدنی مسموم، خطرناک، فاسد، گندیده و مضر، با رنگ آمیزیهای خیلی خوب، دست مردم داده شود؛ بدون این که مردم بدانند. همان‌طور که اماکن و سازمانهای ویژه، اگر ببینند غذایی فاسد به مردم فروخته می‌شود، با تولید کننده مقابله می‌کنند؛ اگر کتاب فاسدی هم به مردم داده می‌شود، باید با آن مقابله شود.

🔗 جلوگیری از تولید کتابهای مروج فساد و فحشا

البته من اعتقاد ندارم که باید هر کتاب و نوشته‌ای را که با سلیقه‌ی خاصی نمی‌سازد و مضر به نظر می‌رسد، جلوش را بگیریم. لکن کتب و نوشته‌هایی هست که مضر بودنشان برای مردم، واضح است. یعنی ترویج فحشا و فساد و از این قبیل است که برای مردم زیان‌آور است. نباید اجازه بدهند که چنین کتب و نوشته‌هایی منتشر شود. اما بیشتر باید تلاش کرد که کتابهای خوب، چاپ و منتشر شود و برای این که مردم به کتابخوانی روی آورند، وسایلی هم باید ایجاد کرد.

🔗 پیشنهاد برای کتابخوان شدن مردم

یکی از آقایان مطرح کردند که فرضاً نمایندگان دائمی کتاب داشته باشیم. این خیلی خوب است. یا «هفته‌ی کتابخوانی» داشته باشیم و در این هفته، برای کسانی که خوب کتاب می‌خوانند، جوایزی در نظر گرفته شود. ان شاء الله مردم، هر چه بیشتر به کتابخوانی تشویق شوند.

کتاب خوب یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است

📖 کتاب، مهمترین دستاورد انسانی و متضمن

معارف الهی و بشری

📖 ایجاد سرگرمی‌های ناسالم در مقابله با فرهنگ

کتابخوانی در دوران پادشاهی

📖 کتابخوانی و علم آموزی یک واجب دینی در

عصر حاضر

📖 توصیه ای به دست اندرکاران امر کتاب

کتاب خوب یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است *

کتاب، مهمترین دستاورد انسانی و متضمن معارف الهی و بشری

بسم الله الرحمن الرحيم

برگزاری هفته‌ی کتاب در کشور عزیز ما و اعلام آن بوسیله‌ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای اینجانب، مزده و مایه‌ی امیدواری است. امروز هر اقدامی که به گسترش سطح آگاهی عمومی بینجامد و نیروی تفکر و قدرت و درک معارف را در مردم با استعداد ما تقویت کند، حسنه‌ی بزرگ است. کتاب، دروازه‌ی به سوی جهان گسترده‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان نوشته‌هایی است که انسانها پدید آورده‌اند و می‌آورند. و در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، آموزشهای آسمانی، و درسهای پیامبران به بشر، و دانش‌ها و شناخت‌هایی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آن امکان‌پذیر نیست. کسی که با این دنیای زیبا و زندگی بخش، دنیای کتاب، ارتباط ندارد بیشک از مهمترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سروکاری نداشته باشند، و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن یعنی آموختن چیزهای تازه باشد. با این دیدگاه، به روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این است که: بخوان! و در اولین سوره‌ی که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند فرود آمده، نام قلم به تجلیل یاد شده است: اقرأ و ربک الاکرم، الذی علم بالقلم.

ایجاد سرگرمی های ناسالم در مقابله با فرهنگ کتابخوانی در دوران پادشاهی

با تلخی باید اعتراف کنیم که رواج کتاب و روحیه ی کتابخوانی در میان ملت عزیز ما که خود یکی از مشعلداران فرهنگ و کتاب و معرفت در طول تاریخ پس از ظهور اسلام بوده است، بسی کمتر از آنچه است که از چنین ملتی انتظار می رود. و این پدیده نیز مانند بیشتر پدیده های ناگوار در کشور ما، نتیجه ی فرمانروائی پادشاهان و فرمانروایان ظالم و فاسد و بی فرهنگ و بی سواد بر این کشور در دوپست سال گذشته است. در دورانی که برخی ملت های دیگر به سوی دانش و پژوهش و معرفت روی آورده بودند، ملت کهن و با استعداد ما در زیر سلطه ی آن انسانهای پلید و خودپرست و زورگو و نااهل، از دانش و معرفت دور ماند و در دوره ی اخیر که حکومت دست نشانده و فاسد پهلوی همه ی کارها را برابر خواست بیگانگان و دشمنان این ملت و به زیان این ملت انجام می داد، نه تنها تلاشی برای ترویج کتاب و کتابخوانی نشد بلکه با ایجاد سرگرمی های ناسالم و دامن زدن به آتش غرائز جنسی در میان جوانان، این ضرورت فوری و فوتی را هر چه بیشتر، از میدان دید و توجه مردم، بیرون راندند و در یکی از بهترین دورانهای که شرائط جهانی، دگرگونی های اساسی در وضع نابسامان ملت ایران را بر می تافت، ملت مظلوم ما را از آن محروم ساختند و کار را به آنجا رساندند که برابر گزارش های همان روزگار، در شهر تهران و برخی شهرهای دیگر، شماره ی میخانه ها بیش از شماره ی کتابخانه ها و کتابفروشی ها و یا چند برابر آنها بود.

کتابخوانی و علم آموزی یک واجب دینی در عصر حاضر

اکنون ملت ایران باید عقب افتادگی ها را جبران کند. اینک فرصت بی نظیری از حکومت دین و دانش بر ایران، پدید آمده است که باید از آن در جهت اعتلای فکر و فرهنگ این کشور بهره جست. امروز کتابخوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه ی ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند، اگر چه آنگاه که انس با کتاب رواج یابد، کتابخوانی نه یک تکلیف، که یک کار شیرین و یک نیاز تعلل ناپذیر و یک وسیله برای آراستن شخصیت خویشتن، تلقی خواهد شد، و نه تنها جوانان، که همه ی نسل ها و قشرها از سردلخواه و شوق بدان رو خواهند آورد.

توصیه ای به دست اندر کاران امر کتاب

لازم است آنروی این سکه ی زرین نیز مورد توجه قرار گیرد: نویسندگان و مترجمان و فراهم آوردگان کتاب، اینان کاری با ارزش و پاداشی بزرگ، در کنار مسئولیتی سنگین دارند. در جامعه ی کتابخوان، پدید آورنده ی کتاب و عرضه کننده ی آن باید گرامی داشته شود، و او نیز باید کار خود را با عنایت به تأثیر و اهمیت آن انجام دهد. غذای فکر و روح، باید سالم و مقوی عرضه شود و آنکس که جز این عمل کند، خطا یا جنایتی بزرگتر از عرضه کننده ی مواد غذائی ناسالم یا بی مایه، مرتکب شده است. امیدوارم مسئولان عزیز در وزارت ارشاد و دیگر دست اندر کاران گرامی ترویج و تسهیل کتاب و کتابخوانی با

فرار رسیدن این هفته، روزی نو و کاری نو و امیدی نو درباره‌ی این موضوع مهم و حیاتی پدید آورند و مادر آینده‌ئی نزدیک، نشانه‌های این همه را در پیش روی خود ببینیم. کمک و توفیق الهی و توجه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را برای همه‌ی شما مسئلت می‌نمایم.

وظیفه ما در عرصه‌ی کتاب

- ❖ حرکت مستمر و رو به کیفیت تولید و گسترش کتاب
- ❖ چند تکلیف مهم در زمینه کتاب:
 - (۱) تولید کتابهای خوب در عرصه های مختلف فکری
 - (۲) کتابخوان شدن هر چه بیشتر مردم
 - (۳) تبیین اهمیت نقد و بررسی کتاب
- ❖ نمایشگاه کتاب، باشگاه فرهنگی عمومی
- ❖ اهمیت وجود نمایشگاههای دائمی کتاب

وظیفه مادر عرصه‌ی کتاب*

با سلام و عرض تشکر از این که حضرت عالی وقت گرامی خود را در اختیار واحد مرکزی خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار دادید. اجازه می‌خواهم از محضر مبارکتان تقاضا کنم با توجه به این که همه ساله حضرت عالی از نمایشگاه بین‌المللی کتاب بازدید می‌کنید، بفرمایید نمایشگاه امسال را چگونه مشاهده فرمودید و ارزیابی‌تان از چاپ و نشر کتابهای معرفی شده چیست؟

حرکت مستمر و روبه کیفیت تولید و گسترش کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

امسال تا آن حدی که من توانستم مراجعه کنم و ببینم، بحمدالله نمایشگاه را خیلی پرشور و خوب و کامل یافتیم. آقایان مسؤول گزارش دادند که امسال مراجعان به نمایشگاه از سالهای قبل بیشتر بوده‌اند؛ من هم در مشاهده‌ی رویاروی همین‌طور احساس کردم. کتابها هم خوب بود. از ناشران که سؤال می‌کردم، معلوم می‌شد اغلب آنها کتابهای چاپ جدید و بعضی کتابهای اولین چاپ داشتند. پیدا بود که حرکت گسترش کتاب و پخش آن در بین مردم و ایضاً تولید کتاب در سطوح مختلف، یک حرکت مستمر و روبه کیفیت‌یابی است و بحمدالله خوب بود. این نمایشگاه - تا آن حدی که من توانستم ببینم - از لحاظ مراجع و ناشران و عرضه کنندگان کتاب، نمایشگاه خوبی بود.

چند تکلیف مهم در زمینه کتاب:

۱) تولید کتابهای خوب در عرصه های مختلف فکری

و اما نکته‌ی که باید به آن اشاره کنم، این است که مادر زمینه‌ی کتاب، چند تکلیف مهم بر عهده داریم: یک تکلیف این است که در عرصه‌های فکری مختلف، کتاب تولید کنیم؛ آن هم کتاب خوب. چنین تکلیفی نه فقط بر عهده‌ی مسؤولان کشور است، بلکه کل کشور و طبقه‌ی اهل فرهنگ، چنین تکلیفی دارند.

۲) کتابخوان شدن هر چه بیشتر مردم

تکلیف بعدی این است که کتابخوانی به عنوان یک سنت رایج در آید؛ به طوری که همه‌ی قشرها در کشور کتابخوان شوند و کتابخوانی، مخصوص عده‌ی از افراد جامعه‌ی ما نباشد؛ کما این که در گذشته این طور بوده است؛ یعنی عده‌ی کتابخوان و اهل کتاب و اهل مراجعه‌ی به کتاب بودند، اکثریت هم دور از کتاب و فارغ از هم آن به سر می‌بردند؛ این درست نیست. البته امروز وضع بهتر شده است و انسان می‌تواند این را حس کند. بعضی از ناشران به من می‌گفتند: ما تشکر می‌کنیم از این که می‌بینیم فرهنگ کتابخوانی توسعه پیدا کرده است و مردم به کتاب تمایل بیشتری نشان می‌دهند. پس این کار هم در حال پیشرفت است. البته اگر ما به حدی برسیم که مورد نظر من در این صحبت است، باید تعداد کتابهایی که هر بار چاپ می‌شود، از دو هزار و پنج هزار و ده هزار به دویست هزار و سیصد هزار برسد؛ یعنی با چنین کمیت بالایی باید کتاب در جامعه پخش شود. امروز از شصت میلیون جمعیت کشور ما، تعداد کثیری اهل سواد و کتابند و بیشتر هم خواهند شد؛ چون جمعیت رو به تزاید است. اگر همه کتابخوان شوند، باید کتاب زیادی داشته باشیم تا در دسترس آنها بگذاریم.

۳) تبیین اهمیت نقد و بررسی کتاب

تکلیف سومی که مادر زمینه‌ی کتاب بر عهده داریم، نقد و بررسی کتاب است. من امروز می‌خواستم این نکته را با جناب آقای میرسلیم، وزیر محترم در میان بگذارم؛ الان این جامی گویم تا هم ایشان و دوستانی که رسماً مسؤول چنین کارهایی هستند، توجه کنند و هم اهل فرهنگ کلاً توجه داشته باشند. وقتی کتاب با کمیت بالا در اختیار همه قرار می‌گیرد، یک نوع حیرت برای بعضی‌ها به وجود می‌آید که آیا این کتاب را بخوانیم، نخوانیم؛ خوب است، بد است؛ مفید است، یا بی‌فایده است. کتاب بی‌فایده، یعنی مضر. انسان وقتی را برای مطالعه صرف می‌کند و اگر کتاب، بی‌فایده باشد، حکم مضر دارد. البته خیلی بندرت می‌شود کتابی پیدا کرد که بکلی بی‌فایده باشد؛ بالاخره هر کتابی یک نوع فایده دارد؛ لیکن وقت انسان محدود است. کسانی که اهل مراجعه به کتابند، احتیاج دارند که اهل نظر و اطلاع، کتابها را به آنها معرفی کنند. ما متأسفانه مطبوعاتی که از لحاظ وسعت و کیفیت، مخصوص این کار و شایسته‌ی این زمان باشد، نداریم؛ در گذشته هم اگر بود، خیلی نادر بود و سطح چندان بالایی نداشت. البته امروز هم در گوشه و کنار مواردی وجود دارد که کافی به نظر نمی‌رسد. من می‌خواهم از اهل فکر و نظر و قلم و کتاب و کسانی که به کتاب اهمیت می‌دهند، خواهش کنم که به نقد کتاب بپردازند. امروز کتابهای بسیاری نوشته و

چاپ و منتشر می‌شود. اگر خواننده‌ی درباره‌ی این کتابها آگاهی لازم داشته باشد، آنها را بسرعت خواهد خرید و مطالعه خواهد کرد و بلکه دوباره خواهد خواند؛ اما وقتی آگاهی ندارد، سراغ این کتابها نمی‌رود. البته بسیاری از کتابها بعکس‌اند و اگر خواننده‌ی مشخصی آگاهی داشته باشد، به آنها نگاه نخواهد کرد؛ زیرا وقتش را ندارد یا مثلاً نیازی به مقولات مطرح شده در این کتابها ندارد و یا به دلیل اشکالی که در این کتابها هست، سراغ آنها نمی‌رود. پس نقد کتاب، جزو کارهای لازم است. الان در بعضی از مجلات که در قم و تهران منتشر می‌شوند، به نقد کتاب پرداخته می‌شود؛ لیکن خیلی ضعیف و بسیار کمتر از چیزی است که امروز لازم است. اگر من بخواهم در این زمینه حدسی بزنم، باید بگویم شاید بیست برابر نقدی که در این مجلات چاپ می‌شود، در حال حاضر لازم است؛ یعنی واقعاً چندین مجله‌ی مخصوص نقد لازم داریم؛ بعلاوه‌ی مقالات نقد آمیزی که می‌تواند در همه‌ی مطبوعات چاپ شود. چون دایره‌ی کتاب و کتابخوانی در حال گسترش است، پس مسأله‌ی نقد هم باید گسترش پیدا کند؛ مضاف بر این که بعضی اشخاص می‌توانند یک سلسله کتاب را انتخاب کنند و اصلاً درباره‌ی آنها به طور منظم نقد بنویسند؛ مثلاً فرض بفرمایید سلسله کتابهای فلان نویسنده‌ی معروف داخلی یا خارجی را بردارند و در یک جلد، دو جلد یا سه جلد نقد کنند؛ یا سلسله کتابهای فلان گروه از نویسندگان را در پنجاه جلد نقادی کنند و آنها را در دسترس علاقه‌مندان بگذارند؛ چنین کارهایی بسیار لازم است.

نمایشگاه کتاب، باشگاه فرهنگی عمومی

و اما ویژگی دیگری که من در نمایشگاه امسال به آن برخورددم - نه این که سالهای دیگر نبود، بلکه امسال برای من بیشتر واضح شد - این است که در حقیقت نمایشگاه حالت باشگاه فرهنگی عمومی پیدا کرده است؛ و این ویژگی خوبی است. اهل ادب، اهل علم، اهل فرهنگ، اهل ذوق، اهل شعر، اهل نویسندگی، اهل کتابخوانی، اهل نسخه شناسی و کسانی که با مسائل فرهنگ و ادب و معلومات ارتباطی دارند، این جا همدیگر را جستجو می‌کنند و می‌یابند. در واقع نمایشگاه دارد ملتقا و محل دیدار اهل فرهنگ و کسانی می‌شود که به مقوله‌ی فرهنگ علاقه دارند؛ و این اتفاق بسیار خوبی است. البته شنیدم که در نمایشگاه امسال سخنرانی و میزگرد هم گذاشته‌اند؛ این کار، جنبه‌ی دوم قضیه را تقویت می‌کند. ان شاء الله آقایان موفق باشند.

اهمیت وجود نمایشگاههای دائمی کتاب

من از وزارت ارشاد، بخصوص مسؤولان نمایشگاه و کارهای مربوط به آن و همچنین از کسانی که به نحوی از انحاء کمک کردند و کتابها را در این جا عرضه نمودند، صمیمانه تشکر می‌کنم. امیدوارم کار نمایشگاههای کتاب، روز به روز بهتر شود. حتی مانعی ندارد اگر ما یک نمایشگاه دائمی کتاب داشته باشیم تا به طور مستمر تازه‌های کتاب و آنچه به کتاب مربوط می‌شود، در محلی که در دسترس مردم باشد، عرضه شود؛ آن وقت مردم از وجود چنین مکانی مطلع شوند و ناشران هم برای عرضه‌ی آثارشان بیابند. ان شاء الله خداوند به همه توفیق دهد تا بتوانند از کتاب، بیشتر استفاده کنند.

خرید کتاب یکی از مخارج اصلی خانواده‌ها محسوب شود

وجود جهت‌گیری کلی نسبتاً مطلوب در عرصه

کتاب

دو پیام در زمینه کتاب و کتابخوانی

(۱) عدم تناسب کتابخوانی با سابقه فرهنگی و

تاریخی جامعه ما

ضرورت انس تمام اعضای خانواده با کتاب

خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده

محسوب شود!

(۲) توجه به کاغذ به عنوان کالای اصلی در کشور

ضرورت کار روی باز یافت، صرفه‌جویی و تولید

کاغذ داخلی

خرید کتاب یکی از مخارج اصلی خانواده‌ها محسوب شود *

ابتدا تلاش می‌کنیم که نظر حضرت عالی را در ارتباط با برگزاری این نمایشگاه و همچنین دید محققانه‌ای که نسبت به مسائل کتاب و کتابخوانی دارید، جويا شويم. بيان بفرمایید که نمایشگاه امسال را چگونه دیدید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، نمایشگاه خوب بود. با این که گفته می‌شود هنوز بعضی ناشران کتابهایشان نرسیده، لکن من در بخشی که تاکنون توفیق پیدا کردم که بازدید کنم، کتابهای زیاد و جدید هم دیدم و عناوین کتابها، خوب بود. متأسفانه من زیاد وقت ندارم، و الا به داخل هر یک از این غرفه‌ها که می‌رفتیم، بعضاً ایجاب می‌کرد که انسان نیم ساعت توی یک غرفه بماند و کتابها را یکی یکی نگاه و بررسی کند. آنچه که مجموعاً به نظر م رسید، خیلی خوب بود. وضعیت نمایشگاه را پسندیدم. شنیدم - آقایان گزارش کردند - که امسال ناشرین، بخصوص ناشرین داخلی، بیش از سال گذشته شرکت کرده‌اند. در گفتگویی که بعضاً ما با مردم داریم و حتی مسؤولین انتشاراتیهای مختلف، این مسأله را اظهار می‌کنند، که کلاً به نظر می‌رسد آن طور که باید، سیاست مدونی برای انتشار و چاپ کتاب در کشور نیست و یا این که دارای ضعفهایی است. و از لحاظ محتوایی هم، این مشکل وجود دارد. بیشتر تلاش می‌کنیم که نظر حضرت عالی را، به عنوان یک فرد محقق و کتابخوان، در این زمینه جويا شويم؟

وجود جهت گیری کلی نسبتاً مطلوب در عرصه کتاب

این را که «آیا سیاستی وجود دارد یا نه»، قاعدتاً باید وزارت ارشاد به شما بگوید. پاسخ دقیق را، آن جا به شما خواهند داد. من بعید می‌دانم که هیچ سیاستی نباشد. قاعدتاً، در این زمینه، سیاستها، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌هایی هست. البته، هر چه بگذرد، قاعدتاً بهتر خواهد شد. من، حالا که نگاه می‌کنم، از نوع کتابهایی که عرضه می‌شود، نوع مطالبه، رغبت و تقاضای مردم را درک و احساس می‌کنم. من از بعضی از ناشرین می‌پرسیدم که «شما فروشتان چطور است؟» یا «مراجعه مردم به این کتابی که شما چاپ کرده‌اید، چطور است؟» پاسخهایی که می‌دادند، برای ما روشن می‌کند که مردم به چه موضوعاتی بیشتر رغبت دارند. حالا ممکن است این رغبت، بعضیش هدایت شده باشد؛ یعنی دستگاه فرهنگی کشور، مردم را به سمت یک علاقه خاص یا به نوعی از کتابها هدایت کرده باشد. ممکن هم هست که بدون هدایت آنها باشد و مردم خودشان خواسته باشند. به هر تقدیر، یک جهت‌گیری کلی نسبتاً مطلوب، مشاهده می‌شود.

در پایان، اگر ممکن است به مناسبت ایام کتاب، کتابخوانی و نمایشگاه کتاب، پیامی برای همه مردم ما، بخصوص قشر تحصیلکرده و کتابخوان بفرماید.

خوب؛ الحمدلله سؤالات شما زود تمام شد! من احتمال می‌دادم بیش از این طول بکشد. بله؛ پیامی که من دارم، همان پیام همیشگی است. من امروز می‌خواهم دو مطلب را به مردم و مسؤولین عرض کنم:

دو پیام در زمینه کتاب و کتابخوانی

۱) عدم تناسب کتابخوانی با سابقه فرهنگی و تاریخی جامعه ما

یک مطلب، همان است که من همیشه تکرار می‌کنم. پارسال و سالهای قبل و در مناسبتهای گوناگون هم گفتم که ارتباط مردم با کتاب، باید بیش از این باشد. من می‌بینم که متأسفانه کتاب در جامعه ما، آن مقدار که شأن این جامعه اقتضا می‌کند، رواج ندارد. اگر ما یک جامعه بی‌فرهنگ و تاریخ بودیم؛ جامعه‌ای بودیم که گذشته و کسان فرهنگی با معرفت و برجسته‌ای ندارد؛ انسانهای با استعداد و فهیم و دارای بینش و طرز فکر بالا ندارد (مثل بعضی از جوامع گوناگونی که در گوشه و کنار دنیا هستند) بی‌رغبتی به کتاب قابل توجیه بود؛ اما در جامعه ما با این همه انسانهای فرهنگی، برجسته، والا، اساتید، مؤلفین، آشنایان با کتاب، شعرا، نویسندگان، علمای بزرگ، دانشگاهیان برجسته و عناصر فرهنگی و عالم، چرا باید انس با کتاب این‌طور باشد؟! سابقه فرهنگی و تاریخی ما خیلی زیاد است. جامعه ما اساساً جامعه‌ای پخته و بالغ شده است؛ یک جامعه ابتدایی و بدوی نیست. مردم ما باید بیش از این با کتاب آشنا باشند.

❁ ضرورت انس تمام اعضای خانواده با کتاب

من این را می‌خواهم عرض کنم. که در منزل خود من، همه افراد، بدون استثنا، هر شب در حال مطالعه خوابشان می‌برد. خود من هم همین‌طورم. نه این‌که حالا وسط مطالعه خوابم بی‌برد. مطالعه می‌کنم؛ تا خوابم می‌آید، کتاب را می‌گذارم و می‌خوابم. همه افراد خانه ما، وقتی می‌خواهند بخوابند حتماً یک کتاب کنار دستشان است. من فکر می‌کنم که همه خانواده‌های ایرانی باید این‌گونه باشند. توقع من، این است. باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اول با کتاب محشور و مأنوس کنند. حتی بچه‌های کوچک باید با کتاب انس پیدا کنند.

❁ خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود!

باید خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود. مردم باید بیش از خریدن بعضی از وسایل تزئیناتی و تجمّلاتی - مثل این لوسترها، میزهای گوناگون، میله‌های مختلف و پرده و... -، به کتاب اهمیت بدهند. اول کتاب را مثل نان و خوراکی و وسایل معیشتی لازم بخرند؛ بعد که این تأمین شد به زواید بپردازند. خلاصه، باید با کتاب انس پیدا کنند. در غیر این صورت، جامعه ایرانی به هدف و آرزویی که دارد - که حق او هم هست - نخواهد رسید. البته من این را فراموش نکنم که از وزارت ارشاد به خاطر انجام همه توصیه‌های ما در سال گذشته در هنگام مصاحبه - پایان بازدید - تشکر کنم. مسأله نمایشگاه دائمی و کتابهای پرتیراژ که الان آقای مسجد جامعی به من گزارش دادند، از کارهایی است که انجام گرفته است. من از آنچه که انجام شده است خرسند شدم.

❁ توجه به کاغذ به عنوان کالای اصلی در کشور

خوب؛ این مسأله اول. مطلب دومی که من امروز فکر کرده بودم بگویم، مسأله کاغذ است. من وقتی از ناشران درباره مشکلشان و فروش کتاب می‌پرسم، بعضی بعد از سؤال من و بعضی بدون سؤال، به مشکل کاغذ اشاره می‌کنند. کاغذ در جامعه ما نباید یک کالای تزئینی و تجمّلاتی به حساب بیاید؛ بلکه باید یک کالای اصلی محسوب شود. کما این که دولت هم، برای کاغذ، واقعاً یارانه می‌دهد. (ما در مشهد، همین سوبسید را می‌گوییم «سر». سردادن به چیزی؛ چیزی را برای چیزی به عنوان سردادن.)

❁ ضرورت کار روی باز یافت، صرفه جویی و تولید کاغذ داخلی

علی‌ای حال، الان دولت به روزنامه‌ها، مطبوعات و ناشرین، کمک می‌کند. این کارها می‌شود؛ لکن در عین حال، مشکلات دارند. من می‌بینم کتابی را به قیمت گزافی می‌فروشند؛ در حالی که خریدار نمی‌تواند بخرد. من به مواردی برخورد کردم که قیمتها به نظر زیاد و بیش از اندازه‌ای که امروز مقتضی است، بود. این بدین خاطر است که ما از لحاظ کاغذ مشکل داریم. خلاصه، باید روی باز یافت، صرفه جویی

و تولید کاغذ داخلی کار شود؛ یعنی کاری کنند که در کاغذ، صرفه جویی شود. امروز با این که آدمی گاهی فکر می کند که دیگر حالا دوران «ادقوا اقلامکم، قارعوا بین سطور کم»^۱ نیست، می بینیم نه! اتفاقاً، باز هم دوران همینهاست. باز هم باید قلمها را ریز تراشید، تا کاغذ کمتر مصرف شود و باز هم باید در باب کاغذ، صرفه جویی کرد تا به نیاز جامعه برسد. علاوه بر این، مسأله باز یافت کاغذ و همچنین تولید کاغذ داخلی، باید ان شاء الله مورد توجه قرار گیرد. بعضی از این کارها به عهده دولت و بعضی به عهده مردم است. ان شاء الله، امیدواریم که از امروز که روز اول باز دیدهای عمومی در نمایشگاه کتاب امسال است، عده زیادی مردم بیایند، این کتابها را بخرند و از اینها استفاده کنند. باید مقداری از کل مراجعه به کتاب در طول سال را، در این چند روز ان شاء الله جبران کنیم.

در این چند ساعتی که در معیت حضرت عالی بودیم، مشاهده کردیم شما تعداد زیادی کتاب می خرید. سال گذشته هم به همین شکل بود؟

نه. متأسفانه نشد کتاب بخرم. کتابها را به من هدیه می دهند. من می خواهم کتاب بخرم یا پول کتابها را بدهم؛ اما غالباً تا من کتابی را انگشت می گذارم، ناشرین فوراً می گویند: «این مجانی است.» و هر چه هم اصرار می کنم پول بدهم، قبول نمی کنند. لذا من بعضی از کتابها را می خواهم و واقعاً هم دوست دارم بخرم. منتها ناشرین - حالا بعضی از روی رغبت و بعضی هم ممکن است در رودر بایستی گیر کنند - وقتی می گوئیم این کتاب را بدهید، می گویند «آقا، قابلی ندارد.» و من نمی خواهم که چنین وضعی پیش بیاید، لذا به خرید کتاب اقدام نمی کنم. با این حال، ناشرین با محبت و مهربان، بعضی کتابهایی را که فکر می کنند دوست دارم، به من هدیه می کنند.

۱. اشاره به گفتار امام علی علیه السلام در توصیه به صرفه جویی هنگام نگارش.

کتاب، مادر و عصاره‌ی تمدن‌هاست

❖ ضرورت باقی ماندن مساله کتاب در جمهوری

اسلامی

❖ ر کتاب، مادر تمدن‌ها و عصاره‌ی آنها

❖ چرایی بی‌رغبتی نسبت به کتاب

❖ رشد تولید، نشر و کتابخوانی پس از انقلاب

❖ سهم بزرگ دنیای اسلام در پیدایش مجموع

❖ فرآورده‌های مکتوب بشر

❖ وظیفه حتمی در نگهداری نسخه‌های ارزشمند

❖ راهکارهای همگانی کردن کتاب و کتابخوانی

کتاب، مادر و عصاره‌ی تمدن هاست *

❁ ضرورت باقی ماندن مساله کتاب در جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

ن. و القلم و ما یسطرون

نخست باید از آستان قدس رضوی برای برپا کردن این گردهمایی درباره‌ی کتابخانه و کتاب، صمیمانه سپاسگزاری کنم. این، کاری است که باید در نظام اسلامی ما زودتر و بیشتر، مورد اتمام واقع می‌شد و از این پس نیز کار گزاران بخشهای مربوط به کتاب و قلم و نگارش و تحقیق و تألیف، باید این سررشته را رها نکنند و مسأله‌ی کتاب همواره یک مسأله‌ی اصلی در جمهوری اسلامی باقی بماند. و به هر روی، این مرکز مقدس که پایگاه رفیع علم و دین بوده و هست، یکی از باصلاحیت‌ترین مراکز برای اتمام به کار کتاب و کتابخانه است.

❁ کتاب، مادر تمدنها و عصاره‌ی آنها

حقیقت آن است که کتاب یکی از ارزشمندترین فراورده‌های بشری و گنجینه‌ی بزرگترین ثروت‌های بشر یعنی دانش و تحقیق است. دین و دنیای بشر و جسم و جان انسان، به برکت کتاب تأمین و تغذیه می‌شود و فرایند کمال بشری بوسیله‌ی کتاب تحقق می‌یابد. کتاب، مادر تمدنها و نیز عصاره‌ی آنهاست، و بشر با پدید آوردن کتاب، درسهای بیشماری را که در کتاب تکوین بدو آموخته شده، گرد می‌آورد و در محیط بشری، منتشر می‌سازد و بدینگونه روز به روز گنجینه‌ی ثروت بشری، غنای بیشتر می‌یابد.

✪ چرایی بی رغبتی نسبت به کتاب

با این همه در میان انسانها بسیاریند کسانی که نه تنها بر این خزانه‌ی لایزال چیزی نمی‌افزایند، بلکه از آن بهره نیز نمی‌برند. بیسواد‌ی یابی معرفتی نسبت به ارزش کتاب و رغبتی به بهره بردن از آن یا دسترسی نداشتن به آن، از عوامل این حرمان عظیم و این خسارت بزرگ‌اند. نباید شک کرد در این که همینها نیز به نوبه‌ی خود معلول عوامل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. از این رو بی تردید باید گفت که کم‌رغبتی نسبی به مطالعه‌ی کتاب در کشور ما نتیجه‌ی کوتاهیهایی است که در دوران حاکمیت رژیمهای فاسد و وابسته، در این مورد شده است.

✪ رشد تولید، نشر و کتابخوانی پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب آمار تولید و نشر و ضبط و خواندن کتاب در کشور ما به طور چشمگیر بالا رفته است ولی آنچه اکنون داریم در برابر آنچه شایسته‌ی ملت بزرگ و پرتوان و هوشمند ما است، بسی کم و ناچیز است.

بدیهی است که خصلتهای ملی به کندی دگرگون می‌شود و در راه بهبود بخشیدن به آن، به تلاش دراز مدت نیاز است. بی شک هر تلاشی در این راه از نظر دین مبین اسلام، جهاد و مقدس و دارای پاداش و ثواب دنیوی و اخروی است.

✪ سهم بزرگ دنیای اسلام در پیدایش مجموع فرآورده‌های مکتوب بشر

یکی از افتخارات دنیای اسلام و بویژه ایران مسلمان آن است که در طول زندگی هزار و چهار صدساله‌ی خود سهمی بزرگ در پیدایش مجموع فرآورده‌های مکتوب بشر داشته و نوشته‌های مسلمانان، در هنگامی که دنیای مسیحی در دوران سیاه قرون وسطای خود می‌زیست، چون خورشیدی بر فکر و ذهن و حیات آنان تابیده و موجب عبور آنان دوران سهمگین شده است. امروز گویا بخشی از میراث اسلامی آن دوره‌ها ناشناخته و ناپیدا است. اگر چه در حمله‌های مغول و تیمور و جنگهای داخلی پادشاهان ایران، بی شک برخی از آنها نابود شده ولی بی شک برخی هم در گوشه و کنار جهان هست که باید آن را شناخت و بدان دسترسی یافت. این یکی از وظایف بزرگ همه‌ی کسانی است که بگونه‌ی با مسأله‌ی کتاب سر و کار دارند و امید است که شاهد تلاش مسؤولان‌هی آنان و نتایج شیرین آن باشیم.

✪ وظیفه حتمی در نگهداری نسخه‌های ارزشمند

نگهداری نسخه‌های رو به نابودی - که متأسفانه در کتابخانه‌های اسلامی کشورهای آسیا و آفریقا فراوان است - و تکثیر نسخه‌های یگانه و جلوگیری از ربوده شدن گنجینه‌های کمیاب و نگاشته‌های ارزشمند از

کتابخانه‌ی کشورهای اسلامی و جلوگیری از بیرون بردن آنها از دسترس صاحبان آن، نیز در شمار وظایف حتمی و پراهمیتی است که لحظه‌ای نباید در آن کوتاهی روا داشته شود. برای بهتر گزاردن این تکلیف، شایسته است که میان کتابخانه‌های کشور و کشورهای اسلامی پیوندی کارساز پدید آید و همکاری در همه‌ی زمینه‌ها به غنای همگی و پیش بردن کارهای مشترک، کمک کند.

🏠 راهکارهای همگانی کردن کتاب و کتابخوانی

همگانی کردن کتاب از راه گسترش زنجیره‌ی کتابخانه‌های عمومی در هر گوشه و کنار کشور همراه با فراهم‌سازی زمینه‌ی لازم برای همگانی کردن کتابخوانی و معرفی کتابهای خوب و پدید آوردن نوشته‌های فراوان در همه‌ی موضوعهای مورد نیاز و مورد علاقه و وظیفه‌ی بزرگ دیگری است که امید است بیش از آنچه که تا کنون شده، بگونه‌ی پیگیر انجام گیرد. از خداوند متعال توفیق شما عزیزان و همه‌ی دست‌اندرکاران را مسألت کرده و امیدوارم این تلاش مبارک منظور نظر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار گیرد.

استفاده از وقت های ضایع شونده برای مطالعه کتاب

- ❖ اغتنام فرصت «بهار کتاب» در کشور
- ❖ توقّع این است که مردم کتابخوانی را جدی بگیرند
- ❖ استفاده از وقت های ضایع شده برای مطالعه
- ❖ لوازم مورد نیاز برای پیشرفت کشور

استفاده از وقت های ضایع شونده برای مطالعه کتاب*

حضرت عالی غرفه های مختلف نهمین نمایشگاه بین المللی کتاب را مورد بازدید قرار دادید. با توجه به این که عنایت ویژه ای نسبت به مسائل فرهنگی دارید، بفرمایید که نظر تان در مورد تلاش های فرهنگی که در کشور صورت می گیرد، به ویژه در زمینه ی کتاب و نمایشگاه کتاب چیست؟ در ضمن اگر رهنمودی برای مردم دارید، خوشحال می شویم که مستفیض فرمایید.

اغتنام فرصت "بهار کتاب" در کشور

این ایامی را که نمایشگاه کتاب در تهران برگزار می شود، به نظر بنده باید «بهار کتاب» نامید. زیرا کتاب حقیقتاً مطرح می شود و گروه های زیادی از مردم - به ویژه جوانان - سراغ کتابفروشه ها می روند. یعنی کتابفروشه ها، فروش خوبی از این جهت دارند و کتاب هم واقعاً به دست مردم علاقه مند می رسد. البته سلیقه و توقع من این است که ما در طول سیصد و شصت یا شصت و پنج روز سال، هر روز به قدر یک روز این نمایشگاه، فروش کتاب در کشور داشته باشیم. دل من این را می خواهد. اگر چنین هم بشود، زیاد نیست؛ چون کشور ما کشوری متمدن و دارای تاریخ و فرهنگ است. کشور ما مثل برخی از ممالک دنیا نیست که گذشته ی پربار و تاریخ و فرهنگ نداشته باشد. لذا در کشور ما اگر مردم ده برابر آنچه هم آمار اعلام می کنند، کتاب بخوانند، خیلی زیاد نخواهد بود و دور از توقع نیست. اما حالا که چنین نیست، ایام نمایشگاه را بنده خیلی مغتنم می شمارم.

امسال هم نمایشگاه بحمدالله خوب بود. من از دو، سه سالن بازدید کردم و چون نزدیک ظهر بود، به بازدید

ادامه ندادم. نکته‌ای که باید عرض کنم این است که ناشران ایرانی، مثل سالهای گذشته از وضعیت کاغذ، شکایت نداشتند. در سالهای گذشته گاهی از وضع نامطلوب کاغذ و سایر موارد چاپ و نشر گله و شکایت داشتند که امسال بحمدالله این طور نبود. الحمدلله این هم خبر خوبی است.

🌟 توقّع این است که مردم کتابخوانی را جدّی بگیرند

من توقّع این است که مردم ما کتابخوانی را جدّی بگیرند. البته جمعی از مردم جدّی می‌گیرند؛ اما همه این طور نیستند. من می‌خواهم خواهشی از مردم بکنم و آن این است: کسانی که وقتهای ضایع‌شونده‌ای دارند؛ مثلاً به اتوبوس یا تاکسی سوار می‌شوند، یا سوار وسیله‌ی نقلیه‌ی خودشان هستند و دیگری ماشین را می‌رانند، یا در جاهایی مثل مطبّ پزشک در حال انتظار به سر می‌برند و به هر حال اوقاتی را در حال انتظار به بی‌کاری می‌گذرانند، در تمام این ساعات، کتاب بخوانند. کتاب در کیف یا جیب خود داشته باشند و در اتوبوس که نشستند، کتاب را باز کنند و بخوانند. وقتی هم به مقصد رسیدند، نشانه‌ای لای کتاب بگذارند و باز در فرصت یا فرصتهای بعدی آن را باز کنند و از همان جا بخوانند. بنده خودم چند جلد قطور از یک عنوان کتاب را در اتوبوس خواندم! البته قضیه مربوط به قبل از انقلاب است که چند روزی برای انجام کاری از مشهد به تهران آمده بودم. بنا به دلایلی نمی‌خواهم اسم کتاب را بگویم. وضعیت و فضای اتوبوسهای آن روزگار برای ما خیلی آزار دهنده بود و نمی‌توانستیم تحمل کنیم. دلم می‌خواست سرم پایین باشد و خواندن کتاب در چنین وضعیتی بهترین کار بود. ساعتی را که به این حالت می‌گذراندم احساس نمی‌کردم ضایع می‌شود. آن وقتها تقریباً یک ساعت طول می‌کشید تا آدم با اتوبوس از جایی به جای دیگر می‌رفت. بعضی وقتها این جابجایی کمتر یا بیشتر هم طول می‌کشید. به هر حال چنین یک ساعتهایی را احساس نمی‌کردم که ضایع می‌شود؛ چون کتاب می‌خواندم.

🌟 استفاده از وقت‌های ضایع شده برای مطالعه

همه بایستی این طور عمل کنیم. گاهی می‌بینید یک نفر پای تلویزیون نشسته و منتظر یک فیلم است. تلویزیون آگهی تبلیغاتی پخش می‌کند و گاهی پخش تبلیغات بیست دقیقه طول می‌کشد. یک وقت است کسی به آن تبلیغات احتیاج دارد. اما کسی که احتیاج ندارد آگهیهای تبلیغاتی را ببیند، این بیست دقیقه را چرا بی‌کار بنشیند؟! یک کتاب دم دستش باشد؛ بردارد و بیست دقیقه مطالعه کند. اگر مردم ما عادت کنند که از این وقتهای ضایع‌شونده برای مطالعه‌ی کتاب استفاده کنند، جامعه خیلی پیش خواهد رفت و فرهنگ کشور، خیلی ترقی خواهد کرد.

🌟 لوازم مورد نیاز برای پیشرفت کشور

ما زمینه‌ی فرهنگی خوب و مناسبی برای پیشرفت کشور داریم. یک مقدار همت، تدبیر و برنامه‌ریزی لازم

است. یک مقدار خود مردم باید اشتیاق نشان دهند. ان شاء الله اگر چنین شود، پیش خواهیم رفت. البته این نکته هم قابل توجه است که امسال نمایشگاه بحمدالله در روز عید غدیر افتتاح شد. چنین تقارن و مناسبتی برای نمایشگاه و برای مردم مایه‌ی برکت است. ما از برادرانمان در وزارت ارشاد تشکر می‌کنیم که زحمت کشیدند و این نمایشگاه را ترتیب دادند تا مردم استفاده کنند. ان شاء الله موفق باشید.

بی‌مبالاتی در زمینه تولید، چاپ و نشر کتاب جایز نیست

- نمایشگاه کتاب، میعاد سالانه اهل فرهنگ و دانش
- ضرورت افزایش تولید کتاب و احیای آثار کهن
- ویژگی آثار ماندنی در حوزه کتاب
- نیاز به تولید کتاب در هر فرآورده فکر و فرهنگ انسانی والا
- وظیفه دولت در انتشار کتاب
- تفاوت طرح نظریات غلط فلسفی با نشر کتب عملیاتی مضر در جامعه
- دستور اسلام به اطلاع از نظرات مختلف
- مردم ما حقیقتاً دلبسته به اسلامند
- خوشبختیهای مادی و معنوی در گرو عمل به اسلام
- حدود آزادی در نگارش و انتشار کتاب

بی‌مبالاتی در زمینه تولید، چاپ و نشر کتاب جایز نیست *

جناب‌عالی از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بازدید کردید. شما همواره در مقاطع و برنامه‌های مختلف، به مقوله‌ی کتاب، کتابخوانی و اهل قلم توجه ویژه‌ای نشان داده‌اید. اگر ممکن است، بفرمایید نمایشگاه را چگونه دیدید و ارزیابی شما از نمایشگاه و محتوای آثار ارائه شده چیست؟

نمایشگاه کتاب، میعاد سالانه اهل فرهنگ و دانش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

البته من توفیق پیدا نکردم دو سالن را بیشتر ببینم؛ خیلی خوب بود. به نظر من، نمایشگاه کتاب فی‌نفسه خوب است. این‌جا در حقیقت میعاد سالانه‌ی اهل فرهنگ و دانش و ادب است. هر کس که دلی در گرو دانستن و فهمیدن و خواندن و این چیزها دارد، چشمش به این نمایشگاه و در انتظار این میعاد سالانه است. آدم همچنان که به این فضای بیرون نگاه می‌کند، می‌بیند که متروس از جمعیت است و مردم به این‌جا آمده‌اند. پیداست که مردم ما به مسائل فرهنگی و بخصوص به کتاب علاقه مندند.

ضرورت افزایش تولید کتاب و احیای آثار کهن

الحمد لله تا آن جایی که من دیدم، تنوع هم خوب بود؛ انواع کتابهای گوناگون چاپ می‌شود. البته من به این مقدار قانع نیستم. من این‌طور تصوّر می‌کنم که بایستی تولید کتابمان به مراتب از آن مقداری

که هست، بیشتر باشد؛ هم به معنای تولید کتاب - که تألیف و ترجمه و این طور چیزهاست - هم به معنای احیای آثار کهن و قدیمی. خیلی از کتابها هست که در قدیم چاپ شده، ولی ما الان از آنها هیچ نشانه‌ای نمی‌بینیم و در دست مردم نیست. اینها را باید احیا کنند؛ البته مواردی که خوب و مناسب است. من مجموعاً راضی هستم و همان طور که گفتم، از هر نمایشگاه کتابی خوشم می‌آید و آن را دوست می‌دارم. الان نمی‌توانم یک ارزیابی قطعی بکنم؛ لیکن خوب بود.

اگر اجازه بدهید سؤالی هم در باره‌ی اهمیت کتاب خدمتان مطرح کنم. کتاب و مقوله‌ی کتاب، از مسائلی است که در جامعه‌ی ما از اهمیت بسزایی برخوردار است و در واقع حاصل کار اندیشمندان، اهل قلم، نخبگان و فرهیختگان جامعه است. جناب عالی برای این که این آثار هر چه ماندنی تر شود، و آثار بهتر و ماندنی تری در جامعه خلق گردد چه توصیه‌هایی دارید؟

ویژگی آثار ماندنی در حوزه کتاب

برای این که اثری ماندنی شود، باید خوب باشد. آثار خوب می‌مانند، در دلها جای می‌گیرند و کهنه نمی‌شوند. خوب هم که می‌گوییم، یعنی پاسخی به یک سؤال و یک نیاز باشد. خوب فقط معنایش این نیست که از لحاظ هنری خوب تنظیم شده باشد و خیلی عمیق باشد؛ نه. ممکن است این طورها نباشد؛ لیکن پاسخی به یک نیاز باشد مهم این است. در باب کتاب این را باید ملاحظه کرد.

نیاز به تولید کتاب در هر فرآورده فکر و فرهنگ انسانی والا

البته نیازها خیلی گسترده‌تر از آن چیزی است که انسان در وهله‌ی اول نگاه می‌کند. شاید اگر در کشور ما فرضاً در یک موضوع هیچ کتابی وجود نداشته باشد، یا هیچ تألیف درستی نباشد، آدم حس نکند که به این کتاب نیاز هست؛ ولی وقتی که این کتاب مطرح می‌شود، می‌بینیم نه، ذهنها آن را می‌خواهند. پس، معنایش این است که ما به هر فرآورده‌ی فکر و فرهنگ انسانی نیاز داریم و بایستی آن را بدانیم. البته این حرف معنایش آن نیست که ما در زمینه‌ی تولید و چاپ و نشر کتاب، بی‌مبالاتی کنیم. بی‌مبالاتی جایز نیست. من به آقایان مسئولان مسائل فرهنگی هم دائماً این نکته را گفته‌ام و باز هم می‌گویم که ما بایستی بدانیم یک دولت، همچنان که نسبت به بسیاری از امور مردم مسؤول است - کلکم مسؤول عن رعیته - مسؤول وضع معیشتشان، وضع اقتصادشان، وضع سیاستشان، وضع فرهنگشان، وضع تحصیلاتشان، وضع بهداشتشان؛ مسؤول وضع ذهنشان هم هست. یعنی اگر دیدیم که فرضاً در جامعه‌ی ما کتابی هست که هنرش فقط این است که احساسات جنسی را در جوانان تحریک کند، این مضر است. این را نمی‌شود به عنوان این که یک فرآورده‌ی فرهنگی است، آزاد بگذاریم که هر که خواست، تولید و عرضه کند؛ نه، این بحث خواست نیست؛ مثل مواد مخدر است.

مواد مخدر هم خیلی طالب دارد. خیلیها هستند که اگر شما مواد مخدر را به آنها دادید، استقبال می کنند و مصرف می کنند؛ اما بعد که معتاد شدند، شما را لعنت می کنند. خیلیها هستند که اگر مواد مخدر را از آنها بگیرید، ممکن است با شما دست به یقه هم بشوند؛ ولی بعد که با این کار توانستند از آن بیماری نجات پیدا کنند، شما را دعا خواهند کرد. بنابراین، خواست، یک امر مطلق نیست؛ آن خواستی که بر طبق مصلحت است، مطلوب است. تشخیص مصلحت هم به عهده‌ی آن کسی است که مسؤول است.

📌 وظیفه دولت در انتشار کتاب

البته ما نمی خواهیم به مردم بگوییم شما حتماً این کتاب را بخوانید، آن کتاب را نخوانید؛ نه. انواع سلیق، انواع فکرها، انواع ذهنها، انواع استعدادها، باید در مقابل خودشان میدان بازی داشته باشند، برای این که آنچه را می خواهند، بتوانند انتخاب کنند؛ اما آن چیزی که گمراه کننده و فاسد کننده است، ما نباید اجازه بدهیم وارد میدان شود. این، وظیفه‌ی ماست، وظیفه‌ی دولت است، وظیفه‌ی وزارت ارشاد است. به همین خاطر، این استثنای مطلبی است که من اول گفتم ما بایستی فرآورده‌ی کتابی زیاد داشته باشیم.

📌 تفاوت طرح نظریات غلط فلسفی با نشر کتب عملیاتی مضر در جامعه

البته مطلبی که در مورد تحریک احساسات جنسی گفتم، فقط یک مثال است؛ در زمینه‌های سیاسی هم همین طور است. اگر فرض کنیم کتابی باشد که در آن انواع و اقسام دروغها به شکل گمراه کننده‌ای هست و شما هم الان امکان ندارید که به این دروغها پاسخ بدهید، این باید جلوش گرفته شود.

البته جلو نظرات غلط را نباید گرفت. نظرات غلط فلسفی، اجتماعی و گوناگون اشکالی ندارد که به داخل جامعه بیاید و نقد شود؛ این خوب است. جلوگیری از نظرات غلط فلسفی موجب می شود که کسانی خیال کنند این نظرات درست است؛ این عکس مطلوب اثر خواهد گذاشت. نه؛ طرح نظرات فلسفی، اجتماعی، سیاسی - آنهایی که یک نظریه است - اشکالی ندارد.

به نظر من در باب نظریه پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد. بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جدا کردن سره از ناسره همت شود؛ اما در زمینه‌ی کار عملیاتی، باید جلو کتابهای مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتم. این جا بحث نظریه نیست. این کسی که خواند، خودش به طور طبیعی تحت تأثیر قرار می گیرد. جلو این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است؛ یعنی آن نوشته‌ای که وقتی وارد بازار فرهنگ شد، مشغول عملیات می شود و قابل این نیست که به آن



جواب داده شود، مضر است و بایستی جلوش را گرفت.

🕌 دستور اسلام به اطلاع از نظرات مختلف

مردم ما هم حقیقتاً دل بسته به اسلامند. مردم عزیزی که حرف مرا می شنوند، می دانم که آن را تصدیق و تأیید می کنند. البته دل بستگی به اسلام، به هیچ بابت به این معنا نیست که نبایستی از افکار گوناگون مطلع شوند؛ نخیر. اتفاقاً اسلام به این موضوع امر می کند؛ لیکن مردم اسلام را دوست می دارند. اگر چیزی باشد که برخلاف اسلام باشد، مردم آن را دوست نمی دارند و از آن خوششان نمی آید و رد می کنند؛ چه کارهای غیر اسلامی، چه افکار غیر اسلامی.

🕌 مردم ما حقیقتاً دل بسته به اسلامند

اکثریت قاطع ملت، به اسلام دل بسته هستند. برای اسلام هم بوده است که این انقلاب را با این عظمت به پیروزی رساندند؛ با پشتیبانی خود این پیروزیهای بزرگ را در جبهه‌ی سیاسی زمینه‌سازی کردند و با جسم و تن خودشان پیروزیهای بزرگ را در جبهه‌ی نظامی به وجود آوردند. بحمدالله فضا، فضای اسلامی است؛ جوانان هم مسلمان و معتقد به اسلام و دل بسته به اسلامند. مسؤولان هم بحمدالله همین طورند؛ خدمتگزار مردمند و در خط اسلام حرکت می کنند و دلشان برای اسلام می تپد.

🕌 خوشبختیهای مادی و معنوی در گرو عمل به اسلام

امیدواریم ان شاءالله آنچه که هست، در خدمت پیشرفت فکر اسلامی و عواطف اسلامی باشد و بتوانیم اسلام را همچون یک مایه‌ی حقیقی سعادت و یک کیمیای حقیقی برای خوشبختی یک ملت به کار بگیریم؛ که اگر اسلام را خوب بشناسیم و خوب به کار بگیریم و خوب با اسلام خودمان را تطبیق کنیم، خوشبختیهای مادی و معنوی به سراغمان خواهد آمد. ان شاءالله خداوند ما را موفق به این کار بدارد.

از صحبت‌های شما این طور برداشت می کنم که آزادی در نگارش و انتشار کتاب، بایستی در چارچوب دین و ارزشهای اسلامی مورد تأکید ملت مسلمان ایران باشد.

🕌 حدود آزادی در نگارش و انتشار کتاب

بله دیگر، باید در چارچوب اصلتها، ارزشها و آن پایه‌های مورد قبول باشد. این مخصوص ما هم نیست؛ در همه‌ی دنیا چارچوبهایی وجود دارد که از آنها تخطی انجام نمی گیرد؛ این جا هم همان گونه باید باشد.

مقابله با نفوذ دشمن از طریق مطبوعات و کتاب

❖ ارزش تولیدکنندگان کتاب و ناشران

❖ ضرر بسیار بزرگ نوشته‌های زیانبار

❖ تقسیم‌بندی کار فرهنگی منفی:

(۱) طرح اندیشه‌ای غلط بدون هیچ انگیزه‌ی منفی

(۲) طرح اندیشه‌های نادرست با انگیزه براندازی

(۳) طرح مسائل غیر قابل پاسخگویی در عین اثربخشی

آنی

❖ وظیفه نظام در برخورد با برخی آزادی‌ها در جامعه

❖ ما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم

❖ حرکت فرهنگی و سیاسی پرشتاب از سوی مخالفان

نظام

❖ بی‌اثر بودن کار نظامی روی جمهوری اسلامی

❖ مقابله نظام با تهاجم به سوی اندیشه و ایمان مردم

❖ مراحل طراحی قدم به قدم در حمله به نظام

جمهوری اسلامی

❖ و...

مقابله با نفوذ دشمن از طریق مطبوعات و کتاب

ارزش تولیدکنندگان کتاب و ناشران

به نظر من، طبقه ناشر در هر بخشی از نشر و طبع، جزو مجموعه‌های ارزشمند جامعه محسوب می‌شود؛ چون تولیدکنندگان کتاب و ناشران آن، مهمترین وسیله انتقال فرهنگ را در اختیار مردمان می‌گذارند. در این جا نباید کسی بگوید که ناشران به دنبال کسب درآمدند. البته این حرف، حرف درستی است؛ ناشران دنبال کسب درآمدند. ای بسا گاهی مؤلف و مترجم هم همین فکر را می‌کنند؛ ولی این از ارزش کار آنها نمی‌کاهد. ممکن است یک پزشک هم که شما از او این قدر تشکر می‌کنید، برای کار پزشکی خودش درآمدی کسب کند؛ یا یک پرستار، یا هر فرد امدادگر و خدوم دیگری برای خودش درآمدی کسب کند. این که کسی در مقابل کاری، درآمدی کسب می‌کند، از ارزش ذاتی کار نمی‌کاهد. البته اگر کسی که این کار را انجام می‌دهد، نیت مخلصانه داشته باشد و این کار را برای اهداف عالی و الهی بکند، ارزش و مزد او مضاعف و چند برابر می‌شود.

ضرر بسیار بزرگ نوشته‌های زیانبار

عزیزان من! کار شما از جهات مختلفی سخت است؛ درست مثل کار همان پزشک که عرض کردم، این جا هم تطبیق می‌کند. اگر در تجویز و ارائه دارو، بی‌توجهی کنید و چیزی را در اختیار مشتری کتاب بگذارید که برای او زیانبار است، شما هم ضرر معنوی بزرگی کرده‌اید. در نهایت، به هیچ وجه شانه شما و شانه ما و وزارت ارشاد و معاونت ذی‌ربط هم از بارِ وزر آن نوشته‌ای که شما وقتی آن را

می‌دهید، به زبان تمام می‌شود، فارغ نخواهد بود؛ این را شما بدانید. این نکته‌ای که ما بارها آن را تکرار می‌کنیم، ناشی از یک منطق و ناشی از یک استدلال قوی است. این طور نیست که به خاطر احساسات، یا به خاطر تصوّرات زودگذر، انسان از آنچه که در عالم نشر و طبع می‌آید و زیانبار است، شکوه کند؛ نه، چون ضرر آن به قدر اهمیت کار تألیف و نشر و انتقال فرهنگ، بزرگ است.

🏠 تقسیم‌بندی کار فرهنگی منفی:

من در ذهن خودم، کار فرهنگی منفی را - یعنی آن چیزی که از نظر ما و با معیار ما بد است - به سه نوع تقسیم می‌کنم:

۱) طرح اندیشه‌ای غلط بدون هیچ انگیزه‌ی منفی

یک نوع، آن نوشته یا کتابی است که یک منطق یا سخنی را ارائه می‌دهد که از نظر ما آن سخن غلط است. یک فکر است، یک پیشنهاد است، یک نظر است، در هر زمینه‌ای ممکن است؛ لیکن فقط آن صاحب نظر مخالف، در فکر این است که نظر مخالف خودش را مطرح کند و هیچ انگیزه‌ای دنبال آن نیست؛ طرح چنین فکر مخالف و غلطی - از نظر ما - در جامعه، مفید است؛ بودنش از نبودنش بهتر است؛ زیرا اگر اندیشه غلط طرح نشود، اندیشه درست نمی‌جوشد. این منطقی است و ما ما یلیم آن چیزی که از نظر صاحبش البته درست است، اما از نظر ما غلط است، منتشر شود؛ در حوزه‌های مختلف هم منتشر شود؛ کما این که مثلاً در عالم فقهات، یا در عالم فلسفه - حالا آن بخش کار ما؛ یعنی فلسفه اسلامی - و بقیه مباحث علمی، کسانی چیزهایی را می‌نویسند که از نظر یک جمع دیگر غلط است. آنها هم جوابش را می‌نویسند؛ نتیجه این می‌شود که مطلب رشد پیدا می‌کند، پرورش پیدا می‌کند، ذهنها قوی می‌شود و سخن و علم پیش می‌رود.

۲) طرح اندیشه‌های نادرست با انگیزه براندازی

نوع دوم کار که غلط است، این است که انگیزه آن صرفاً ارائه یک سخن علمی یا یک نظر فلسفی یا اجتماعی یا سیاسی نیست؛ بلکه جزئی از چارچوب یک طرح براندازی است. نشر این هم مضرّ است. دشمن وقتی که می‌خواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف می‌گیرد، که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست. هم در عالم کتاب هست، هم در عالم مطبوعات هست، هم در عالم هنر هست. البته وقتی ما می‌گوییم که این فکر غلط، یا این طرح غلط، یا این سخن نادرست، در چارچوب یک طرح امنیتی و براندازی قرار دارد، ممکن است صاحب آن اندیشه، مطلقاً نداند که چه کار می‌کند! این به معنای آن نیست که خود او هم در آن طرح براندازی یا خرابکاری شریک است؛ نه، گاهی اصلاً او هیچ سهمی ندارد، اما دشمن از او استفاده می‌کند. این جا

یک انسان خیر خواه، به مجرد این که دید از سخن او، از حرف او و از کار او به عنوان جزئی از یک مجموعه خرابکاری در این کشور استفاده می شود، اگر خود او به این کار براندازی یا خرابکاری مایل نیست، فوراً عقب می کشد. قاعده اش این است؛ اگر عقب نکشید، پس او هم سهیم و شریک است. این، نوع دوم از اندیشه های غلط است.

۳) طرح مسائل غیر قابل پاسخگویی در عین اثربخشی آنی

نوع سوم، آن کار فرهنگی ای است که اثرش آنی است و قابل پاسخگویی نیست. مثل این که در جامعه ای بیایند عکسهای مستهجن جنسی را به شکل وسیعی در میان جوانان پخش کنند! شما چطور می خواهید این را جواب دهید؟! اصلاً قابل جواب دادن است؟! این اصلاً قابل جواب دادن نیست. وقتی که یک اثر هنری و یک نوشته و یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخگویی نیست. جلو این کار فرهنگی را باید گرفت؛ این آن ممیزی واجب است که در جنجال علیه ممیزی و سانسور نباید هدف را گم کرد.

🔗 وظیفه نظام در برخورد با برخی آزادی ها در جامعه

من وظیفه نظام می دانم، وظیفه وزارت ارشاد می دانم، وظیفه شما که ناشرید می دانم، که وقتی چنین چیزی مطرح می شود، شما اجازه ندهید و کمک نکنید. این هیچ ربطی ندارد به این که ما با فکر آزاد موافقیم یا مخالفیم. طبیعی است که ما با آزادیهای مخالفیم؛ مگر کسی شک دارد؟ ما با بعضی از آزادیها مخالفیم. ما با آزادیهای جنسی مخالفیم؛ ما با آزادی گناه مخالفیم و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می دهد. همین الان در کتابهای ما هست؛ کتابهای منتشر شده الان وجود دارد. اگر خوف این نبود که با گفتن من، نام یک اثر غلطی تکرار شود، اسمش را می گفتم. کتابی که جوانان را به طور واضحی، با شیوه های هنری، به سمت گناه سوق می دهد! این یک مسأله فکری نیست که ما بگوییم حالا این کتاب منتشر شود، ما هم جوابش را منتشر کنیم؛ این جواب ندارد!

🔗 ما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم

خطاست اگر کسی گمان کند، ما که نسبت به مسأله مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به خرج می دهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اولین شعارهای این مسائل را داده ایم و الحمدلله تا الان هم دنبالش بوده ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمی شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می آید کتاب را از شما می خرد و می گوید اینها متدینین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد.

✿ حرکت فرهنگی و سیاسی پرشتاب از سوی مخالفان نظام

عزیزان من! این را بدانید که امروز - البته نه این که مخصوص امروز هم باشد؛ از مدتها پیش - در این زمینه یک جریان و یک حرکت فرهنگی و سیاسی تندتر و پُرشتابتری از طرف مخالفان نظام جمهوری اسلامی - که در واقع مخالف اسلامند - وجود دارد که متوجه ذهنیت در جامعه ماست. هدف، ذهنها هستند. ذهن، به معنای آنچه که شامل فکر است، شامل اخلاق است، شامل خصوصیات روانی و روحی است - من مجموعه اینها را مورد نظر دارم - مورد هدف است. به خاطر این که می دانند نظام جمهوری اسلامی - که رمز استقامت و ایستادگی یک ملت در مقابل سلطه جهانی بود و بحمدالله هست - و این کشور و این دولت و این مجموعه انسانی و جغرافیایی، با هیچ روش توأم با زور، قابل شکست دادن نیست؛ حقیقتش هم همین است.

✿ بی اثر بودن کار نظامی روی جمهوری اسلامی

حالا می نویسند که امریکا می خواست حمله کند، می خواست چنین بکند؛ البته ممکن است دولتی از روی قلدری، تصمیم اشتباهی هم بگیرد؛ اما محققاً هر گونه حمله نظامی و تحرک نظامی وابسته به دشمن، به ضرر دشمن و به سود جمهوری اسلامی تمام می شود. حالا که این احتمالات خوشبختانه کمتر است؛ اما آن وقتی هم که این احتمالات در ذهنها بیشتر بود، همان وقت هم ما می گفتیم که دشمن اگر عاقل باشد و بخواهد با خردمندی تصمیم بگیرد، چنین تصمیمی نخواهد گرفت. بنابراین، کار نظامی، کار زوری و کار متکی با فشار، روی این کشور اثری ندارد.

✿ مقابله نظام با تهاجم به سوی اندیشه و ایمان مردم

آنچه که برای آنها مهم است، عبارت است از مردم. مردم هم - همان طور که مولوی می گوید و درست هم می گوید: «ای برادر تو همه اندیشه‌ای» - یعنی اندیشه مردم، یعنی ایمان مردم؛ آن چیزی که جسم مردم را به میدان می آورد و زبان و بازوی مردم را در خدمت حقیقتی قرار می دهد و متوجه حمله‌ها می کند. الان این کار انجام می گیرد. البته نظام اسلامی به فضل الهی ایستادگی کرده و می کند؛ ولی باید خیلی هوشیار بود. هم وزارت ارشاد باید هوشیار باشد - بخصوص این بخشهای حساس - هم شما ناشران باید هوشیار باشید، هم بخشهای دیگر ذی ربط - در دولت، در مجلس، در قوه قضاییه - باید هوشیار باشند. نباید اجازه داد دشمن هر کار می خواهد بکند.

✿ مراحل طراحی قدم به قدم در حمله به نظام جمهوری اسلامی

اگر بخواهیم قدم به قدم تصویر کنیم، این گونه است: ذهنها را تحت تأثیر قرار دادن؛ سپس موانع

نفوذ در ارکان نظام را از بین بردن؛ مثل شورای نگهبان. الان می‌بینید که به شورای نگهبان هم خیلی حمله می‌شود. این بحث «نظارت استصوابی» و این چیزهایی که باز هم رویش جنجال می‌کنند، از آن جنجالهای بسیار بی‌مبنا و بی‌ریشه‌ای است که هدفش تضعیف شورای نگهبان و در واقع نفوذ دادن عناصر مخالف با اسلام و مخالف با امام و مخالف با نظام جمهوری اسلامی در ارکان قانونگذاری است. مانعشان شورای نگهبان است. فکر می‌کنند همان بلایی که یک روز سر آن هیأت علمای طراز اول آوردند^۱، به این وسیله می‌توانند بر سر شورای نگهبان هم بیاورند، که البته نخواهند توانست و مطمئناً چنین چیزی تحقق پیدا نخواهد کرد. هدف این است؛ این قدم بعدی است. طراحان سیاسی و امنیتی و جنگ روانی دشمن، پیش خودشان چنین محاسبه می‌کنند که اگر این کار هم به نتیجه برسد، آن وقت قدم بعدی نفوذ در مجلس است و این به معنای نفوذ در دولت و نفوذ در ارکان نظام است. این‌گونه می‌خواهند وارد شوند.

☞ نفوذ در ذهنیت مردم از طرق فرهنگی

پس قدم اول چیست؟ نفوذ در ذهنیت مردم. ذهن مردم، ایمان مردم، دل مردم، عواطف مردم و عشق مردم است که هدف دشمنان قرار دارد و نفوذ در اینها از طرق فرهنگی است. البته تصور می‌کنند که موفقیت یافته‌اند و گمان می‌کنند که پیشرفت کرده‌اند؛ لیکن خطا کرده‌اند؛ اشتباه کرده‌اند. ارکان نظام مستحکم است و مسؤولان نظام هم مراقبند و باید هم مراقب باشند.

☞ نهراسیدن مسئولین از اتهام ضد آزادی

من الان - آقای وزیر ارشاد هم این‌جا هستند - بخصوص می‌گویم، باید مراقبت کنید و مراقبت شما باید یک مراقبت مضاعف باشد. از جنجالها و از متهم شدن به این‌که اینها ضد آزادی‌اند، نترسید. شما حتی اگر بالاترین انواع آزادی را هم بدهید، اما اصولتان را حفظ کنید، باز هم خواهند گفت که شما ضد آزادی هستید! کمالین که الان در این منطقه، کشورهایی هستند که در همه تاریخ خودشان، روی یک مجلس ملی انتخاباتی را ندیده‌اند؛ آنها را متهم به نظام دیکتاتوری نمی‌کنند، ولی کشور ما را که در طول بیست سال عمرش، بیست تا انتخابات آزاد و انتخابات مردمی داشته، متهم می‌کنند! از دشمن که انتظاری نیست. برای خاطر حرف دشمن که انسان نمی‌تواند ممشای صحیح و منطقی و خردمندانه خودش را تغییر دهد. بنابراین، هیچ ملاحظه نکنید.

☞ منطق غلط آزاد شدن ماهواره به دلیل پیشرفت فناوری

امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا - هر جایی به تناسب - در فکر سلطه فرهنگی‌اند؛ یک نمونه‌اش هم همین ماهواره است که حالا باز هم می‌بینم بحث ماهواره را مطرح کرده‌اند. این منطق درست نیست

۱. اشاره غیرمستقیم به حوادث اوایل دوران مشروطیت که علما - پدیدآورندگان مشروطه - را با لطایف الحیل کنار گذاشتند.

که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فناوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلوی پیش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح می‌کند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه‌ای باید کرد. این منطق و استدلال، این‌گونه باید نتیجه بدهد. البته دشمن فناوری را پیشرفته می‌کند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطوّر و پیشرفت فناوری ماهواره، چه کارهایی را می‌توانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. اما این استدلال، که چون دشمن پیشرفت می‌کند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلو راهش برداریم، منطقی نیست. این مانع، علی‌العجاله مانع است. مثل این است که دشمن تا مرزهای ما پیش آمده، آن وقت بگوییم، ما که نمی‌توانیم بیشتر از دو ساعت مقاومت کنیم، پس برویم! نه آقا! این دو ساعت را مقاومت کنید، شاید پیروز شدید. این چه حرفی است؟! قانون ممنوعیت ماهواره - که مجلس شورای اسلامی، چند سال قبل از این، آن را تصویب کرد - یک قانون کاملاً درست و بجا بود. حدّ اقلش این است شما توانسته‌اید چند سال این نفوذ را به عقب بیندازید و ان شاء الله باز هم خواهید توانست.

راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن

شما باید به موازات این کار، وسائل مصون‌سازی را فراهم کنید. جوانان را مصون کنید، ذهنها را مصون کنید، دلها را مصون کنید که اگر علی‌رغم شما، روزی دشمن توانست نفوذ کند، شما قبلاً مصونیت ایجاد کرده باشید. راهش این است؛ این‌گونه باید با هجوم دشمن برخورد کرد. ما با این روحیه مقاومت و با این روحیه ایستادگی، توانسته‌ایم قدرتی مثل استکبار جهانی و مثل امریکا را، بیست سال پشت در نگهداریم و باز هم می‌توانیم! ملت ایران قوی است و این استقامت، استقامت ایمانی است. این استقامت، از دین، از اسلام و از ایمان سرچشمه می‌گیرد و هر جا که باشد، موجب ناکامی دشمن خواهد شد. این را ما باید حفظ و تقویت کنیم. ما باید دین را تقویت کنیم؛ ایمان جوانان را تقویت کنیم؛ اجتناب از فساد را تقویت کنیم. این کار، کار درستی است؛ این راه، راه صحیحی است و شما ناشران عزیز، در قبال این چیزها مسؤولیت دارید. البته شما جمع معدودی از ناشران کشور هستید که این‌جا جمع شده‌اید و خوشبختانه ما امروز شما را زیارت کردیم. بیشتر شما، یا همه شما هم کسانی هستید که علی‌القاعده، این حرفها را قبول دارید. حالا ممکن است بعضی هم قبول نداشته باشند؛ بالاخره این هم نظری است.

مسئولین از مسأله تأثیر بر روی ذهنها و ایمانها آسان نگذرند

هر کس که در کشور مسؤولیتی دارد، باید طبق نظر و ایمان اسلامی و احساس تکلیفی که می‌کند، قاطع و شجاعانه و قوی قدم بردارد. این وظیفه همه است. امیدواریم که هم شما، هم ما، هم دولت، هم

مجلس و هم قوه قضائیه، وظایفمان را بدانیم و از این مسأله تأثیر بر روی ذهنها و ایمانها آسان نگیریم. این مسأله بسیار مهمی است؛ این مقطع بسیار حساسی است؛ این کار بسیار عظیمی است و نباید از آن به آسانی گذشت. این کار، از مبارزه با داروی فاسد و تاریخ منقضی شده و از مبارزه با پزشک قلبی خیلی مهمتر است. در هر جامعه‌ای، این نقطه اساسی است.

ایجاد سیرهای مطالعاتی برای کتابخوانی

📖 جای کتاب را هیچ چیزی نمیگیرد!

📖 ضرورت پرداختن به مقوله کتاب

📖 پر خسارت‌ترین تنبلی‌ها، تنبلی در خواندن کتاب

📖 وظیفه دستگاہها در ترویج کتابخوانی

📖 ضرورت سهم قابل قبول کتاب در سبده مصرفی

خانواده

📖 کتابداری، یک کار انسانی فرهنگی برجسته

📖 چند نکته مهم در ارتباط با کتابخوانی:

(۱) نظم در مطالعه برای تأثیر بیشتر

(۲) عادت ذهن به تفکر و تأمل

(۳) ایجاد سیرهای مطالعاتی برای قشرهای مختلف

(۴) انتخاب و گزینش کتاب در کنار برنامه مطالعاتی

📖 بالا بردن جایگاه خود در نشر و استفاده از کتاب

📖 هشدار به تولید کنندگان و دست اندرکاران کتاب

📖 ضرورت حرکت دسته جمعی کشور برای

افزایش مطالعه کتاب

📖 هیچ وقت انسان از کتاب مستغنی نیست

ایجاد سیرهای مطالعاتی برای کتابخوانی *

📖 جای کتاب را هیچ چیزی نمیگیرد!

جلسه، یک جلسه‌ی صددرصد فرهنگی است؛ و بنده‌ی حقیر قصد اولم از ایجاد این جلسه و ملاقات با شما برادران و خواهران عزیز، یکی تشکر از زحمات مسئولان کتابخانه‌ها و کتابدارها در سراسر کشور بوده، به خاطر کار بزرگ و مهمی که انجام میدهند، و دیگری در واقع یک رمز احترام به کتاب و کتابخوانی و اهمیت کتاب در جامعه.

هر چه ما پیش برویم، احتیاج ما به کتاب بیشتر خواهد شد. این که کسی تصور کند با پدید آمدن وسائل ارتباط جمعی جدید و نوظهور، کتاب منزوی خواهد شد، خطاست. کتاب روز به روز در جامعه‌ی بشری اهمیت بیشتری پیدا میکند. ابزارهای نوظهور مهمترین هنرشان این است که مضمون کتابها و محتوای کتابها و خود کتابها را راحت و آسان منتقل کنند. جای کتاب را هیچ چیزی نمیگیرد.

📖 ضرورت پرداختن به مقوله کتاب

یک نکته این است که ما اگر در صد هم‌افزایی آحاد خودمان، از لحاظ فکر و تجربه و ذوق و هنر هستیم، بایستی ارتباط خودمان را با کتاب بیشتر کنیم. کتاب مجموعه‌ای است از محصولات یک فکر، یک اندیشه، یک ذوق، یک هنر؛ مجموعه‌ای است از یافته‌های یک یا چند انسان. ما خیلی باید مغتنم بشمریم که از محصول فکر آحاد گوناگون بشر استفاده کنیم؛ این کاری است که کتاب به ما تقدیم میکند، هدیه میکند؛ این هدیه‌ی کتاب به ماست. لذا کتاب یک پدیده و یک موجود ذی‌قیمت است؛ همیشه اینجور بوده است،

در آینده هم همین جور خواهد بود. لذا است که به کتاب بایستی اهتمام ورزید.

📖 پر خسارت ترین تنبلی‌ها، تنبلی در خواندن کتاب

اهتمام به کتاب در واقع قوامش به اهتمام به کتابخوانی است. در جامعه باید سنت کتابخوانی رواج پیدا کند. فایده‌ی سوادآموزی این است. اثر حرکت و نهضتی که در کشورها برای ریشه‌کن کردن بیسوادی انجام میگیرد، عبارت است از همین، که بتوانند از این مجموعه‌ی عرضه‌کننده‌ی فکر و ذوق و استعداد دیگران استفاده کنند؛ این بدون کتابخوانی امکان‌پذیر نیست. به گمان من یکی از بدترین و پر خسارت‌ترین تنبلی‌ها، تنبلی در خواندن کتاب است. هر چه هم انسان به این تنبلی میدان بدهد، بیشتر میشود.

📖 وظیفه دستگاهها در ترویج کتابخوانی

کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود؛ و این کار بر عهده‌ی همه‌ی دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئولند؛ از مدارس ابتدائی بگیرید - که برنامه‌هایی باید باشد که کودکان ما را از اوان کودکی به خواندن کتاب عادت بدهد؛ خواندن با تدبیر، خواندن با تحقیق و تأمل - تا دستگاه‌های ارتباط جمعی، صدا و سیما، تا وسائل تبلیغاتی گوناگون. یکی از کارهای بزرگ و مهم در سطح جامعه این است که تبلیغات کتابخوانی همه‌گیر شود. ما امروز می‌بینیم برای کالاهای کم‌اهمیت که تأثیری هم در زندگی انسانها ندارند، صاحبانش تبلیغات رنگین‌عجیب و غریبی را متصدی میشوند، مباحث می‌شوند؛ دستگاه‌های ارتباط جمعی، مطبوعات، صدا و سیما آنها را پخش میکنند؛ در حالی که آن محصولات هیچ ضرورتی ندارند، هیچ لزومی ندارند، یک چیز اضافی در زندگی هستند؛ گاهی بودنشان مفید است، گاهی بودنشان حتی مفید هم نیست؛ شاید مضر هم هست. محصولی با عظمت کتاب، با ارزش کتاب، در خور این است که تبلیغ بشود؛ تشویق بشوند کسانی که میتوانند کتاب را بخوانند؛ این را ما باید به صورت عادت در بیاوریم.

📖 ضرورت سهم قابل قبول کتاب در سبد مصرفی خانواده

و من عرض کنم؛ ما در کشورمان، در جامعه‌ی خودمان، از واقعیتی که در این زمینه وجود دارد، راضی نیستیم. بله، درست است؛ امروز حجم کتابهایی که تولید میشود، با گذشته خیلی تفاوت کرده است؛ گاهی چند برابر کتاب منتشر میشود، یا تیراژ کتابها بالا میرود؛ لیکن این کافی نیست؛ اینها برای کشور ما خیلی کم است. باید جوری بشود که در سبد کالای مصرفی خانواده‌ها، کتاب یک سهم قابل قبولی پیدا کند و کتاب را بخردند برای خواندن، نه برای تزئین اتاق کتابخانه و نشان دادن به این و آن. این هم یک نکته است، که مسئله‌ی کتابخوانی در جامعه است.

📖 کتابداری، یک کار انسانی فرهنگی برجسته

یک مسئله، مسئله‌ی کتابخانه‌هاست. خوب، کتابداران محترم زحمات عمده‌ای را در این زمینه به عهده میگیرند و متصدی و مباشرند. بنده از دوران نوجوانی در مراجعه‌ی به کتابخانه‌ها، نقش کتابداران را از نزدیک مشاهده می‌کردم. میرفتیم کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی و میدیدم که کتابدارهای آنجا چه نقشی ایفاء میکنند، چه زحمتی میکشند، چه دلسوزی‌ای به خرج میدهند. نفس کتابداری، یک کار انسانی فرهنگی برجسته‌ای است؛ منتها کتابدار صرفاً آن کسی نیست که خدمت آوردن و دادن کتاب را به عهده میگیرد؛ کتابدار میتواند منبع و منشأ و مرجعی باشد برای راهنمایی مراجعه کنندگان به کتاب.

📖 چند نکته مهم در ارتباط با کتابخوانی:

۱) نظم در مطالعه برای تأثیر بیشتر

یکی از کارهای مهم این است که ما ذهن را عادت بدهیم به نظم در مطالعه. گاهی مراجعه‌ی به یک کتاب اگر در جای خود قرار بگیرد؛ یعنی قبل از این کتاب، کتابهای دیگری که متناسب با این موضوع است، خوانده شده باشد، بعد این کتاب مطالعه شود، تأثیر بمراتب بیشتر و عمیق‌تری خواهد داشت از این که این کتاب بدون ملاحظه‌ی آنچه که مرتبط با آن است، دیده شده باشد. خوب، این راهنمایی میخواهد.

۲) عادت ذهن به تفکر و تأمل

بعضی از ذهنها اهل کتابند؛ منتها کتاب آسان، کتابی که احتیاج به فکر کردن نداشته باشد. عیبی ندارد، این هم کتاب خواندن است، نفی نمیکنیم؛ اما بهتر از این شیوه‌ی کتابخوانی، این است که انسان در مجموعه‌ی کتابخوانی خود بتواند بیامیزد کتاب آسان را - فرض کنید رمان را، خاطره را، کتابهای تاریخی آسان را - با کتابهایی که احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن؛ این نوع کتابها را باید وارد مقوله‌ی کتابخوانی کرد. ذهن را عادت بدهیم به این که اهل تأمل باشد، اهل تدقیق باشد؛ ذهن کار کند، در مواجهه‌ی با کتاب فعالیت کند؛ این احتیاج دارد به راهنمایی.

۳) ایجاد سیرهای مطالعاتی برای قشرهای مختلف

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب،

بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد. این هم یک نکته است.

۴) انتخاب و گزینش کتاب در کنار برنامه مطالعاتی

یک نکته‌ی دیگر، انتخاب و گزینش کتاب است. کتاب، محصول فکر و مغز و تجربه و هنر و ذوق یک کسی است یا کسانی است که این کتاب را تهیه و تولید کرده‌اند. لزوماً هر کتابی مفید نیست و هر کتابی غیرمضر نیست. بعضی کتابها مضر است. مجموعه‌ای که متصدی امر کتاب است، نمیتواند با اتکاء به این فکر که ما آزاد میگذاریم، خودشان انتخاب کنند، هر کتاب مضر را وارد بازار کتابخوانی کند - همچنان که داروهای مسموم را، داروهای خطرناک را، داروهای مخدر را متصدیان امور این داروها آسان و بی‌قید در اختیار همه نمیگذارند؛ از دسترس دور نگه میدارند؛ گاهی هشدار میدهند - این یک خوراک معنوی است؛ اگر فاسد بود، اگر مسموم بود، اگر مضر بود، ما به عنوان ناشر، به عنوان کتابدار، به عنوان کتابخانه‌دار، به عنوان متصدی پخش - به هر عنوانی که با کتاب ارتباط دارد - حق نداریم این را در اختیار افرادی قرار بدهیم که آگاه نیستند، ملتفت نیستند؛ که این در فقه اسلام، یک فصل مخصوص به خود دارد. پس باید مراقبت کرد. باید کتاب خوب را، کتاب سالم را در اختیار گذاشت. بیشتر هم باید توجه کرد به این که آن کتاب بتواند هم پرورش فکری بدهد، هم راه درست را در اختیار بگذارد. بنابراین در کنار برنامه‌ی مطالعاتی، توجه به این نکته هم لازم است.

🕌 بالا بردن جایگاه خود در نشر و استفاده از کتاب

ما به عنوان ملت ایران و به عنوان یک ملت مسلمان، ارتباطمان با کتاب، ارتباط بنیانی و عمیق و کهن است. ما امروز و دیروز با مقوله‌ی کتاب آشنا نشده‌ایم. در کشور ما، بخصوص بعد از انتشار اسلام، کتابخانه‌های عظیم، مجموعه‌های علمی، مکتوبات بالارزش، یک سابقه‌ی کهن تاریخی دارد. ما ملتی هستیم که با کتاب خیلی سابقه داریم؛ در طول قرنهای متمادی با کتاب انس داشته‌ایم. البته آن روزها دسترسی به کتاب آسان نبود. استنساخ کتابهای خطی دشوار بود، اما در عین حال کسانی که اهل بودند، شایسته برای استفاده‌ی از کتاب بودند، چه مجاهدتها میکردند. خواننده‌ایم و مکرر شنیده‌ایم که کسانی به یک کتاب احتیاج داشتند، دارنده‌ی کتاب بخل میورزیده و نمیداده است؛ بعد با التماس، باز حمت، یک شب، دو شب این کتاب را امانت گرفتند، شب و روز نخوابیدند، استراحت نکردند، برای اینکه این کتاب را استنساخ کنند و یک نسخه‌ی آن را در اختیار خودشان داشته باشند. از این قبیل فراوان است. امروز این موانع برطرف شده است. پیشرفت علم، تولید کتاب، تکثیر کتاب، انتشار کتاب را آسان کرده. ما امروز بایستی با توجه به این سابقه‌ی کهن، جایگاه خودمان را در نشر کتاب، در استفاده‌ی از کتاب، بالا ببریم.

📌 هشدار به تولید کنندگان و دست اندر کاران کتاب

تولید کنندگان کتاب هم بایستی به این معنا توجه کنند. در تولید کتاب - چه تولید به معنای ایجاد کتاب، چه تولید به معنای ترجمه‌ی کتاب، چه تولید به معنای نشر کتاب و در اختیار این و آن قرار دادن - به نیازها و خلأهای جامعه نگاه کنند؛ خلأهای فکری را، نیازهای فکری را بشناسند، انتخاب کنند، سراغ آنها بروند. ما می‌بینیم در مجموعه‌ی کتاب و بازار کتاب، گاهی اوقات هدایتهای همراه با انحراف را دنبال میکنند؛ بخصوص سراغ مسائلی می‌روند که برای ذهنیت جامعه، برای ذهنیت کشور، چه از لحاظ جنبه‌های اخلاقی، چه از لحاظ جنبه‌های دینی و اعتقادی، چه از لحاظ جنبه‌های سیاسی، زیانبخش است. انسان بوضوح مشاهده میکند که در بازار کتاب، در مجموعه‌ی کتاب، دست‌هایی فعالند؛ یک چیزهایی را وارد کنند، ترجمه‌هایی را به وجود بیاورند، با مقاصد سیاسی؛ ظاهرش هم فرهنگی است، اما باطنش سیاسی است. به شما عرض کنم؛ بسیاری از کارهایی که در مقوله‌ی فرهنگ در کشور ما از سوی بیگانگان، دشمنان، معارضان اسلام و نظام اسلامی ترویج میشود، ظاهرش فرهنگی است، اما باطنش سیاسی است؛ این را انسان مشاهده میکند. مجموعه‌ی دست‌اندر کاران امر کتاب - چه شما که کتابدارید، چه مدیریت کتابخانه‌ها، چه آن کسانی که در وزارت ارشاد مسئول این کارند، چه خود ناشران محترم - باید توجه کنند که مواد تغذیه‌ی معنوی سالم، مفید و مقوی بایستی در سطح جامعه منتشر شود. امروز خوشبختانه سطح سواد و امکان استفاده از کتاب، وسیع و گسترده است؛ از این امکان باید استفاده کرد.

📌 ضرورت حرکت دسته جمعی کشور برای افزایش مطالعه کتاب

من از این اجتماعی که امروز هست، میخواهم این استفاده را بکنم که یک تجدید مطالعی بشود در مسئله‌ی کتاب و کتابخوانی و کتاب خوب و کتاب مفید و کتاب سالم؛ یک حرکتی را همه‌ی مسئولان در کشور آغاز کنند؛ از آنهایی که برنامه‌ریزی میکنند، تا آنهایی که تولید میکنند، تا آنهایی که تبلیغ میکنند، تا مخاطبان کتاب، جوانها و غیر جوانها که کتاب را میخوانند، یک نگاه جدیدی داشته باشیم. تیراژهای هزار و دو هزار و سه هزار و اینها شایسته‌ی کشور هفتاد و پنج میلیونی ما با این همه جوان، با این همه انگیزه نیست؛ باید تیراژها خیلی بالاتر باشد. حالا در بعضی از موارد خوشبختانه انسان می‌بیند دفعات چاپ کتابها خیلی بالاست؛ لیکن در عین حال در مجموع که نگاه میکنیم، نه، راضی کننده نیست، قانع کننده نیست؛ باید یک حرکتی آغاز شود.

📌 هیچ وقت انسان از کتاب مستغنی نیست

به هر حال من، هم تشکر میکنم از مجموعه‌ی مسئولان امر کتاب، و هم خواهش میکنم که به مسئله‌ی کتاب به شکل جدی‌تری نگاه شود. کاری کنیم که کتابخوانی یک امر رائج بشود و کتاب از دست جوان ما نیفتد. این که گفته میشود در شبانه‌روز سرانه‌ی مطالعه‌ی کتاب فلان مقدار است، اینها آمارهای راضی

کننده‌ای نیست؛ خیلی بیشتر از این باید باشد. هیچ وقت انسان از کتاب مستغنی نیست. از دوران نوجوانی، از اول سوادآموزی تا آخر عمر، انسان احتیاج دارد به کتاب؛ احتیاج دارد به درک مسائل و جذب مواد تغذیه‌ی معنوی و روحی و فکری؛ این بایستی در سطح عموم جامعه فهمیده شود و دنبال شود و اقدام شود.

نوشتجات دفاع مقدس را قدر بدانید

ارزش قلم زنی در روایت ادبیات انقلاب اسلامی

یکی از مهمترین و بزرگترین هنر نویسندگان

توصیه به رزمندگان جنگ جهت تقویت

عظمت دفاع مقدس

کاری کنید که کتابهای دفاع مقدس در

دسترس جوانها قرار بگیرد

اهمیت ترجمه کتابهای دفاع مقدس

مصدق جهاد فی سبیل الله

نوشتجات دفاع مقدس را قدر بدانید*

ارزش قلم زنی در روایت ادبیات انقلاب اسلامی

خداوند ان شاء الله، هم به شما برادران عزیزی که در دوران دفاع مقدس این زحمات را کشیدید اجر بدهد و ان شاء الله عزت شما را - هم در دنیا، هم در آخرت - روزافزون کند، هم به آقای رضایی که این کتاب^۱ را روایت کردند و همچنین به خانم سپهری که این کتاب را تحریر کردند اجر بدهد؛ هم روایت روایت بسیار خوبی است، هم نگارش نگارش بسیار ممتازی است. این خانم قبلاً هم کتاب نورالدین^۲ را نوشته بودند؛ خیلی واقعاً ارزش دارد این قلمها. بنده خدا را شکر میکنم وقتی که برخورد میکنم به این پدیده‌های بسیار برجسته و شیوای ادبیات انقلاب اسلامی؛ واقعاً جای این دارد که انسان خدا را شکر کند. هر تک‌تک و قسمت‌قسمت قضایای دفاع مقدس برجسته است؛ یعنی واقعاً هرچه انسان بیشتر غور میکند، بیشتر دقت میکند، بیشتر اطلاع پیدا میکند، عظمت این پدیده‌ی عجیب و حادثه‌ی مهم هشت‌ساله در چشم انسان بیشتر روشن میشود. ما که حالا آن وقت در جریان مسائل قرار می‌گرفتیم، فرماندهان می‌آمدند به ما گزارش میدادند، خیال میکردیم که همه چیز را میدانیم؛ وقتی انسان این کتابها را میخواند، معلوم میشود که ما یک چیز خیلی مختصری را از آن اقیانوس عظیم فعالیت و تلاش و جهاد و ارزش اطلاع داشتیم؛ واقعاً خیلی فوق‌العاده است.

یکی از مهمترین و بزرگترین هنر نویسندگان

خب، قبلاً چند کتاب دیگر هم بود که خواندیم؛ این کتاب «لشکر خوبان» هم که این خانم نوشتند که

* بیانات در دیدار راوی، نویسنده و برخی از دست‌اندرکاران کتاب لشکر خوبان

۱. کتاب «لشکر خوبان»

۲. کتاب «نورالدین پسر ایران»

مربوط به لشکر عاشورا است، بسیار کتاب خوبی است، بسیار؛ از این جهت هم اهمیت دارد به طور ویژه که درباره‌ی نیروهای اطلاعاتی و نیروهای غوّاص است. چون اطلاعاتی‌ها حرف که نمی‌زنند با آدم - همان «گفتند نگویند» [اراعیت میکنند] - لذا خیلی از مطالبی که اینها دارند و اطلاعاتی که دارند، معمولاً در طول این سالها مکتوم مانده؛ اینها باز بشود، روشن بشود. ماجرای غوّاصها هم که واقعاً یک ماجرای عجیب و غریبی است، یک ماجرای بسیار برجسته‌ای است؛ در این کتاب، خوب تشریح شده. یکی از بزرگ‌ترین هنرهای نویسنده‌ها - یعنی کسانی که روایت مینویسند، چه رمان نویس، چه داستان کوتاه، چه خاطره - و یکی از مهم‌ترین بخشهای کارشان این است که بتوانند لحظات حسّاس را ترسیم کنند. بعضی از کتابها را انسان نگاه میکند، داستان مفصّلی است، وقتی به آن لحظه‌ی حسّاسی که یک حادثه‌ی درونی در وجود یک شخصیتی از شخصیت‌های این داستان دارد شکل میگیرد یا یک اتفاق مهمی دارد در بیرون می‌افتد، چون نمیتوانند تصویر کنند، از اینها میگذرند؛ مثل کسی که نقطه‌چین کند یک بخشی را، نقطه‌چین میکنند، میگذرند.

این خاطراتی که نوشته میشود، من حالا دارم میخوانم - یعنی سالها است که من با این خاطرات بحمدالله مأنوسم و میخوانم - یکی از محسنات این نگارشهای خوب و برجسته این است که این لحظه‌های حسّاس را توانسته‌اند تصویر کنند، توانسته‌اند تشریح کنند، توانسته‌اند بیان کنند. بعضی از لحظه‌ها هست که جز با تصویر جسمانی و نمایشی قابل فهمیدن نیست؛ اگر این را کسی بتواند در نگارش، خوب بیان کند، خوب تصویر کند، واقعاً هنر بسیار بزرگی است؛ حس را منتقل میکند به خواننده از هر زبانی؛ یعنی به هر زبانی این جور نوشته‌ها ترجمه بشود، بسیار مفید خواهد بود، یعنی میتواند پیام را برساند؛ چون واقعاً هنرمندی به کار رفته در بیان - هم بیان راوی، هم نگارش نویسنده - و خیلی خوب تشریح شده. خب، لحظات حسّاس هم که در این کتابها کم نیست؛ بخصوص در این قضیه‌ی غوّاصها و آن تشریح و تصویری که از غوّاصها و از کار آنها شده و آن شعر «غوّاصلار» حاج صمد... یعنی [برای] کسی که میفهمد این مضمون را، واقعاً اینها تکان دهنده است. هم گوینده خیلی خوب گفته، هم این حاج اصغر آقای مدّاح زنجانی که ظاهراً این را خیلی خوب میخوانده: لای لای ای جبهه لرین یورغونی / ای خسته جوان لار... لای لای ارون دکناریندا / قیزیل قانه باتانلار.

🕌 توصیه به رزمندگان جنگ جهت تقویت عظمت دفاع مقدس

بله، خیلی شعرهای فوق‌العاده‌ای است، کتاب هم کتاب بسیار خوبی است. آنچه من توصیه میکنم به همه - هم به خود شما که این صحنه‌ها را با جسم و روح خودتان آزمودید و لحظه‌لحظه‌ی این ساعات دشوار را درک کردید و حس کردید، و هم به دیگران - [این است که] نگذارید [اینها] به دست فراموشی سپرده بشود. از اولی که این دفاع مقدّس شروع شد و آن حماسه‌ی عظیم با نفس گرم امام بزرگوار خلق شد و این جوانها سراز پانشناخته رفتند، همه‌ی دستهای شیطان در صدد بودند که نگذارند زیبایی‌ها

و شکوه این حادثه منعکس بشود، همه؛ سعی شان این بود که نگذارند آن عظمتی که در این کار بود، منعکس بشود. بعلاوه بر اینکه خیلی از عظمتها را انسانها تا نزدیک نباشند، تالمس نکنند، یا لاف با یک شیوهی هنری از آن مطلع نشوند، نمیتوانند هم آن قضایا را بفهمند. بعدها هم همین جور؛ در طول این سالهای بعد از جنگ - این بیست و پنج سالی که از خاتمه‌ی جنگ تا امروز گذشته - خیلی‌ها تلاش کردند که نگذارند این حماسه‌ها زنده بشود. شماها عکس این عمل کنید؛ نقطه‌ی مقابل این عمل کنید. شما هم که خودتان آنجا بودید، بگویید؛ بگذارید این نوشته‌ها همدیگر را تقویت کند. من در کتاب آقای نورالدین، اسم این آقای مهدی قلی رضایی را دیدم؛ ایشان در همین قضیه‌ی غواصها، یک جا میگوید که «مهدی قلی رضایی که از نیروهای باسابقه‌ی جبهه است»؛ اینها همدیگر را کاملاً تأیید میکند؛ یعنی ابعاد گوناگون قضایا را روشن میکند.

📌 کاری کنید که کتابهای دفاع مقدس در دسترس جوانها قرار بگیرد

[باید] هر چه بیشتر گفته بشود، هر چه بیشتر نوشته بشود، هر چه صادقانه‌تر منعکس بشود آن جزئیات؛ بدون کم و زیاد، بدون مبالغه؛ یعنی آن حوادث به مبالغه احتیاج ندارد؛ اینقدر عظمت دارد که خود حادثه را که نقل کنند، شکوه خودش و عظمتی را که در دل خودش هست نشان میدهد. هیچ نیابستی مبالغه به کار برد. نباید هم کم گذاشت؛ باید همه‌ی جزئیات مهم و تأثیرگذار را بیان کرد که همه‌اش هم موثر است. همچنین به این آقایان محترم حوزه‌ی هنری و بقیه‌ی دستگاه‌های نشر هم توصیه میکنم: این نوشتجات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فراورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدس را قدر بدانید؛ اینها را باید خیلی قدر دانست. بین مردم هم منتشر بشود. این جوانهای ما، نه جنگ را دیده‌اند، نه روایت درست و حسابی از جنگ شنیده‌اند؛ روایت درست، اینها است؛ این کتابها است؛ هر چه میتوانید کاری کنید که در دسترس جوانها قرار بگیرد [تا] جنگ را بشناسند، بفهمند چه بود، چه اتفاقی افتاد، و جمهوری اسلامی چیست؛ ملت ایران چه کسانی هستند. این طاقت عظیمی که در ملت ایران وجود دارد برای مواجهه‌ی با این امتحانهای بزرگ را دست کم نگیرند. یکی از چیزهایی که ملت‌ها را همیشه زبون میکند و تحت سلطه‌ی دیگران قرار میدهد، این است که نقاط قوت ملت‌ها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزشهایی، چه توانایی‌هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند. باید ببینند جوانها، بفهمند حادثه‌ی جنگ چه بود و چگونه جوانهای ما بدون سازوبرگ حسابی، بدون توانایی‌ها و پیش‌آمادگی‌هایی که معمولاً برای این جور کارها لازم است، رفتند و چه کردند.

📌 اهمیت ترجمه کتابهای دفاع مقدس

ترجمه هم باید بشود. البته در ترجمه‌ی اینها، به گمان من باید مترجم کسی باشد که زبانی که به آن ترجمه میکند، زبان مادریش باشد؛ بدون این نمیشود؛ هم نویسنده باشد، هم زبان مادریش باشد. حالا

در [بعضی از زبانها، پیدا کردن این جور آدمی ممکن است آسان نباشد، اما [در] بعضی از زبانها نه، آسان است؛ میتوانید کسانی را پیدا کنید که مثلاً زبان مادریشان یا زبانی که در دوره‌ی کودکی با آن پرورش پیدا کردند ولو زبان مادریشان هم نیست؛ مثلاً انگلیسی، من باب مثال. اگر اهل ذوق باشند، اهل نویسندگی باشند، قلم به دست بگیرند، این کتاب را ترجمه کنند، هر چه صرف کنید، می‌ارزد. البته به شرطی که بتوانید منتشر کنید. دستگاه‌های استکبار یکی از کارهایشان این است - برخلاف ماها که گاهی خیلی روشن‌فکر میشویم و میگوییم که همه چیز دست همه کس برسد، آنها نه، آنها بسیار متعصب و در این زمینه سختگیرند - به آسانی هم نمیگذارند آن چیزی که شما ترجمه کردید، به دست مخاطبانش برسد؛ ولی خوب باید راه پیدا کنید، بتوانید بکنید بنابراین ترجمه خیلی کار مهمی است.

🕌 مصداق جهاد فی سبیل الله

به هر حال ان شاء الله که همه‌تان موفق و مؤید باشید. امروز خوشحال شدیم شماها را ملاقات کردیم؛ همچنین آقای مهدی قلی رضایی را، همچنین یک بار دیگر آقای نورالدین را. ان شاء الله که همه‌تان موفق باشید، مؤید باشید، ان شاء الله همیشه سربازان ثابت قدم انقلاب باشید همه‌تان. همچنین خانم سپهری که واقعاً زحمت کشیدند، کار ایشان، خیلی با ارزش است، خیلی؛ خداوند ان شاء الله به ایشان توفیق بدهد. و بدانید خانم سپهری که این کاری که شما کردید - این دو کتابی که حالا بنده دیدم در آوردید - تحقیقاً مصداق جهاد فی سبیل الله است، برای خاطر اینکه دشمنان این انقلاب و دشمنان سبیل الله سعی دارند که نگذارند این راه روشن مقابل چشمها قرار بگیرد؛ شما درست عکس آنها، نقطه‌ی مقابل آنها عمل کردید؛ بنابراین، این مجاهدت در راه خدا است، ان شاء الله که خدا از شما قبول کند و ان شاء الله خداوند نیت‌های همه‌ی ما را خالص کند، کار ما را، فکر ما را، حرف ما را، عمل ما را برای خودش و در راه خودش قرار بدهد.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹